

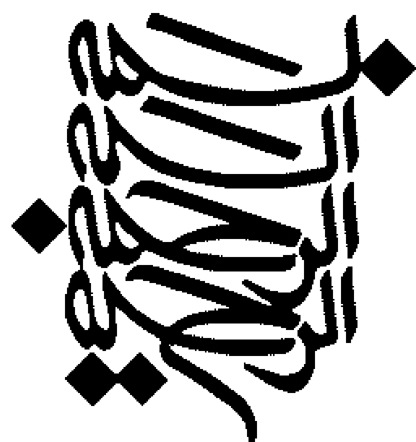
گزارش راهبردی

خطر
تازه به دوران رسیده‌ها

واکاوی ابعاد نوکیسگی در جامعه ایرانی







خطر تازه به دوران رسیده‌ها؛

واکاوی ابعاد نوکیسگی در جامعه ایرانی





خطر تازه به دوران رسیده‌ها؛

واکاوی ابعاد نوکیسگی در جامعه ایرانی

کاری از: مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی
تهیه کننده: معاونت پژوهش و نشر
مولف: علی کرمی
نوبت چاپ: اول
تاریخ چاپ: خرداد ۱۳۹۵
طراحی جلد و صفحه آرایی: مجید انجیرانی
ویراستار: زهرا فتحی
آدرس: تهران، بزرگراه شهید باقری، بزرگراه رسالت شرق، خیابان رشید، خیابان نوکار (۱۵۴)، خیابان شهیدان صادقی ۱۱۳، پلاک ۱۱۲
کدپستی: ۱۶۵۱۶۷۴۱۱۱
تلفن: ۷۶۷۰۲۴۴۵ _ ۷۶۷۰۲۴۵۹
نمابر: ۷۶۷۰۲۴۶۱
سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۹۱۹۱۸
تارنما: http://tarbiateslami.com
پست الکترونیکی: research@tarbiateslami.com

پیشگفتار

مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی به عنوان یک نهاد تربیتی پیشرو، پیش‌برنده و الگو، بخشی از اتاق فکر تربیت اسلامی کشور است که با رویکرد تولید اندیشه و الگوسازی و با اولویت شجره طیبه صالحین فعالیت می‌کند و بر آن است تا با جذب افراد متعهد (مؤمنِ جهادی) و متخصص (دانشگاهی و حوزوی) و توانمندسازی و به‌کارگیری مؤثر ایشان در حوزه‌های مختلف تربیت اسلامی و ایجاد منظومه‌ای متشکل از مجموعه‌های متنوع آموزشی، پژوهشی و الگوسازی، نقش بسزایی را در تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی ایفا نموده و به بازوی فکری نظام مقدس جمهوری اسلامی در حوزه تربیت نیروی تراز انقلاب اسلامی تبدیل گردد.

پژوهش پیش رو تلاشی است در راستای تحقق اهداف این مرکز، که با همکاری پژوهشگران و صاحب‌نظران و در راستای نقشه علمی مرکز آماده و تولید شده است، از این رو مدیریت پژوهش و نشر نیز می‌کوشد تا با پشتیبانی و حمایت از پژوهشگران و فعالان حیطه‌های مرتبط در مسیر رفع نیازهای پژوهشی و کاربردی انقلابی اسلامی گام بردارد.

معاونت پژوهش و نشر
مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

فهرست

چکیده

نوکیسه‌ها و نوکیسگی از جمله مفاهیمی هستند که این روزها در محافل دورهمی -حال رسمی یا خودمانی- بعضاً موضوع بحث و گفت‌وگو بوده و نیز به طور معمول در خیابان‌ها و مهمانی‌ها و در همهٔ ابعاد زندگی مدرن، مصادیق آن قابل مشاهده است. بی‌شک این پدیده و یا به عبارت صحیح‌تر معضل، دارای یکسری مختصات و ویژگی‌ها، مظاهر و نمود عینی و بیرونی و نیز علل و عوامل است. همچنین این سبک از زندگی و رفتار دارای تفاوت‌هایی با آن طبقه‌ای است که همه به عنوان طبقهٔ مرفه، ثروتمند و یا دارا می‌شناسند. همچنین این سبک رفتاری دارای اثرات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مختلفی است که باید مورد بررسی و تحلیل قرارگیرد. با توجه به این مهم در این گزارش مفهوم نوکیسه و ابعاد مختلف آن مورد تحلیل و بررسی قرارگرفته است.

ابتدا بعد لغوی مفهوم نوکیسگی را بررسی کرده و گفتیم که در فرهنگ‌های لغات، معانی‌ای چون نو دولت و نیز آنکه تازه به مال و دارائی رسیده برای نوکیسه آورده شده است. در واقع آن چیزی که در این بخش از تحلیل مهم است، این است که اولاً نوکیسه‌ها با طبقات مرفه و دارنده تفاوت دارند و دلیل آن هم این است که رفتارهای این قشر و خودنمایی‌ها و نمایش‌های خیابانی آن‌ها نشان می‌دهد که آنان از دارندگی و دارا شدن خود ذوق‌زده و هیجان‌زده هستند. از طرف دیگر دقت در معنای لغوی نوکیسه نشان می‌دهد که این افراد ظرفیت و گنجایش چنین تحول و جابه‌جایی را ندارند، بنابراین دچار اختلال رفتاری و احساسی هستند.

نوکیسه‌ها از نظر اقتصادی بیشتر متمایل به نمایش و تظاهر پولداری و دارندگی خود هستند و اصطلاحاً می‌خواهند دارندگی خود را فریاد بزنند و آن را به گوش همه برسانند. پول‌دار شدن این افراد سابقه‌ای یک نسلی دارد و نه بیشتر. از نظر رفتاری نیز این قشر فاقد آرامش روانی، رفتاری و احساسی هستند، بنابراین در اکثر رفتارهای خود عقلانی عمل نمی‌کنند بلکه مارک دوست، حق به جانب، عجول و بی‌توجه به دیگر افراد جامعه هستند.

نوکیسه‌ها وسایل لوکس و تزئینی‌ای مانند ماشین، لباس، جواهرات و ... را ثروت می‌دانند و به صورت احساسی و عاطفی و نه خردمندانه با پول برنامه‌ریزی می‌کنند و از نظر رفتار اجتماعی نیز از الگوی خاص و جاافتاده‌ای پیروی نمی‌کنند و همه نوع دوستی و رفتاری از این قشر سر می‌زند.

اینکه چرا نوکیسگی از نظر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی روانی مذموم است، بیشتر به دلیل ضدیت این نوع رفتارها با قواعد و اصول عرفی، اجتماعی و فرهنگی بوده و همچنین به اثرات و دلایل سیاسی و اقتصادی نوکیسگی بازمی‌گردد. ابتدا اینکه خود لفظ نوکیسه نوعی طراحی لغوی برای نشان دادن نارضایتی از این طیف رفتارها است. در واقع نوکیسه‌ها با رفتارهای خود عرف را به سخره گرفته و اجتماع را دچار نابسامانی و تضاد می‌کنند و همچنین فرهنگ را از اصالت تهی کرده و جنبه‌های مادی آن را ترویج و تبلیغ می‌کنند. نوکیسگان سیاست و سیاست‌گذاری و همچنین سیاست‌گذاران را به سمت خود چرخانده و در آن‌ها نفوذ می‌کنند و منافع خود را نیز از همین مجرا پیگیری می‌کنند. نوکیسه ها اقتصاد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. اولاً این قشر محصول زوایای تاریک و غیر شفاف اقتصاد (قاچاق و رانت) هستند و همچنین با رفتارهای خود اقتصاد را دچار بی‌ثباتی کرده و فرمان اقتصاد را به سمت دلالی و واسطه‌گری هدایت می‌کنند که در این شرایط تولید و آفرینندگی دچار رکود می‌شود.

دلایل پیدایش نوکیسگی را نیز ذیل دو دسته از دلایل اولیه و بنیادی و ثانویه و ساختاری، می‌توان بررسی و تحلیل کرد. دلایل بنیادی و اولیهٔ پیدایش نوکیسگی شامل این موارد می‌شود:

۱- تربیت خانوادگی و اجتماعی ۲- نوع آموزش. دلایل اقتصادی شکل‌گیری نوکیسگی نیز عبارت‌اند از: ۱- رانت ۲- دلایل سیاسی نوکیسگی ۳- نوسانات اقتصاد ۴-دلالی و واسطه‌گری.

تأثیرات و پیامدهای رفتاری نوکیسگان نیز موضوعی مهم و قابل توجه است که در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قابل مشاهده و بررسی است. نوکیسگی در حوزهٔ فرهنگی، فرهنگ را مادی کرده و شکاف فرهنگی‌ای میان اعضای جامعه به وجود می‌آورد. در حوزهٔ سیاست نیز سیاست را از رسالت خود که همانا راهبری جامعه و خدمت به کشور است، دور می‌کند. نوکیسگان با پول‌هایی که وارد این حوزه می‌کنند، به نوعی سیاست را از مسیر آرمانی خود دور کرده و آن را در راستای منافع خود قرار می‌دهند. آنان جامعه را نیز دچار آنومی و تضاد می‌کنند و تخم نفرت و بی‌اعتمادی را در میان اعضای جامعه می‌کارند. به نوعی باید نوکیسگان را غارتگران سرمایهٔ اجتماعی در میان سطوح و طبقات مختلف اجتماعی و سیاسی کشور نامید. در واقع نوکیسگان اقتصاد را نیز بی‌نصیب نگذاشته و با رفتارهای اقتصادی خود، انتظارات غیرمعقول اقتصادی فعالان اقتصادی را بالا می‌برند که از این طریق جذابیت تولید اقتصادی کم‌رنگ می‌شود. نوکیسگان با رواج دلالی، ارزش‌های اقتصادی‌ای مانند قناعت، کمک و همیاری اجتماعی و کارآفرینی و ارزش‌آفرینی را در اقتصاد کم‌رنگ می‌کنند.

مبحث مهم دیگری که در این مجال به آن پرداخته شده است، موضوع علاج نوکیسگی است. آن هم این‌که چگونه می‌توان ظهور و بروز و نیز اثرات نوکیسگی را در کشور کم‌تر کرد؟ در این راستا باید در دو سطح برنامه‌ریزی کرد تا در ادامه اقدام و عمل نیز صورت گیرد: ۱- اقدامات پایین‌دستی و در سطح آحاد افراد جامعه و نهادهای تربیتی و ۲- اقدامات بالادستی توسط ارگان‌های دولتی. با توجه به چکیده‌ای که ذکر شد، در این پژوهش سعی شده است که مفهوم نوکیسگی و ابعاد مختلف این پدیدهٔ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... تحلیل و تبیین گردد.

مقدمه

بی‌شک موفقیت شعارهای اقتصادی انقلاب اسلامی، یعنی پیشرفت توأم با عدالت و نیز پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی، نیازمند هنجارهای رفتاری و عملکردی‌ای از جنس این شعارها است. در واقع نمی‌توان از یک طرف شعار عدالت اقتصادی سر داد و از طرف دیگر عرصه را برای ویژه خواری و استفاده از رانت‌ها و دلال بازی مهیا کرد و همچنین با این‌گونه رفتارها نیز مقابلهٔ قانونی نکرد. در واقع متوقف شدن انقلاب اسلامی در مرحلهٔ شعار، مهم‌ترین تهدید برای دوام و پایداری و الگو شدن آن برای داخل و خارج است. دراین‌باره با توجه به اینکه انقلاب اسلامی از زمان پیروزی خود در سال ۱۳۵۷ با مشکلاتی مانند تثبیت و استقرار و نیز در ادامه با جنگ هشت سالهٔ تحمیلی مواجهه بوده، بنابراین نتوانسته است که الگوی مطلوب خود را در کشور پیاده کند، این تصور برای بسیاری به وجود آمده که شعارمنهای عمل مساوی است با زندگی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی؛ به عبارت دیگر انقلاب اسلامی تنها عبارت است از یکسری شعارهایی که یکسره باید آن‌ها را از برکرد و مدام نیز تکرار کرد. این انگاره دارای نمودهای ناپسند و مذمومی در رفتارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم بوده است. در این رابطه شاهد آن هستیم که رفتارهایی مانند تظاهر و ریاکاری و نیز نفاق و عدم رعایت هنجارهای رفتاری دینی و اسلامی از جمله در پوشش، طرفداران زیادی در جامعه پیدا کرده است و از همه بدتر عادت کردن مردم به این وضعیت است که موجب آن شده تا مردم تفسیری به مراتب لیبرال‌تر از لیبرالیسم مرسوم در غرب، از انقلاب و جمهوری اسلامی داشته باشند.

از ثمرات دیگر این وضعیت نیز این است که خود مردم در اکثر موارد دست به تفسیر احکام و قوانین اسلامی زده و معانی و تفسیرهای بعضاً عجیب و غریب و بی‌ربطی را از این متون استخراج کرده‌اند که همه در راستای راحتی، بی‌عملی و زندگی شعارگونه و به دور از عمل بوده است. یکی از پدیده‌هایی که تا اندازه‌ای از دل این روند بیرون آمده، ظهور قشر نوکیسه و تازه به دوران رسیده است و مشخص هم نیست که چگونه از دل شعار پیشرفت همراه با عدالت در عرض کمتر از یک نسل، فردی به ثروتی افسانه‌ای دست پیدا می‌کند. در واقع یا پیشرفت مورد نظر اصلاً همراه با عدالت نبوده و یا عدالت گفته شده شعاری و صوری بوده است. علاوه بر نوع پول دار شدن این قشر که همراه با عدالت نبوده، رفتارهای اقتصادی‌شان نیز به گونه‌ای است که نه تنها با عدالت همراه نیست، بلکه با انسانیت نیز فاصلهٔ بسیار زیادی دارد. چه معنایی دارد که در جامعه‌ای بیشتر مردم دغدغهٔ معیشت و شغل داشته باشند و عده‌ای دیگر نیز نمک بر روی زخمشان بپاشند و دائماً با ظواهر بزک کرده نداشته‌هایشان را به رخ‌شان بکشند؟ بنابراین ایستارها و ذهنیت‌های مردم نقش بسیار زیادی در به وجود آمدن این قشر نوکیسه، بازی کرده است. رشد نگران کنندهٔ نوکیسه‌ها در جامعه زنگ خطری برای انقلاب اسلامی است. البته اگر بگوییم برای سیاستمداران و مسئولین، شاید کمی به دور از واقع بنماید. در این میان رهبر معظم انقلاب به عنوان پرچم‌دار و راهبر انقلاب اسلامی با درک خطر نوکیسه‌ها برای ادامهٔ حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی انقلاب اسلامی در فرصت‌های مختلف بر اهمیت و خطیر بودن این ضایعه تأکید کرده‌اند که در ذیل به مواردی از این تأکیدات اشاره می‌شود: «... اگر اصلاح به صورت نو به نو انجام نگیرد، نظام فاسد خواهد شد و به بیراهه خواهد رفت. اصلاحات یک فریضه است. حال میدان‌هاي اصلاحات در کجا است؟ که آن بحث دیگري است. اصل اصلاحات یک کار لازم است و باید انجام گیرد. زمانی که اصلاحات نشود، برخي از نتایجي که ما امروز با آن‌ها دست به گریبانیم، پیش می‌آید، از جمله: توزیع ثروت ناعادلانه می‌شود، نوکیسه‌هاي بي‌رحم برگوشه و کنار نظام اقتصادي جامعه مسلط مي‌شوند، فقر گسترش پیدا مي‌کند، زندگي سخت مي‌شود، از منابع

کشور به درستي استفاده نمي‌شود، مغزها فرار مي‌كنند و از مغزهايي كه مي‌مانند نيز حداكثر استفاده نمي‌شود. زمانی كه اصلاحات باشد، اين آفت‌ها و آسيب‌ها و ده‌ها مورد از قبيل آن‌ها پيش نمي‌آيد»[1]. در واقع «... بايد به گونه‌اي رفتار كرد كه طبقهٔ متوسط و ضعيف‌تر احساس كنند كه با مسئولان فاصله‌اي ندارند و همچنين نوكيسگان نيز بدانند كه مسئولان با آنان نيستند».[2]

«... نقطهٔ مقابل آن، فروشگاه‌هایی هستند که وقتی انسان وارد آن می‌شود، هر چقدر که چشم می‌گرداند، تولید خارجی می‌بیند. متأسفانه بعضی از این فروشگاه‌ها -که فروشگاه‌های بزرگی هم هستند- مربوط به خود دستگاه‌های حکومتی‌اند. حال چرا این کار را می‌کنند؟ این کار باید زشت شمرده شود. شما می‌خواهید که کارگر داخلی را بیکار کرده و کارگر بیگانه را بهره‌مند و برخوردار کنید، آن هم تنها برای پُز دادن. جنس‌های دارای نشان خارجی را [می‌آورند] و یک عدّه پولدار نیز - پولدارهای نوکیسهٔ تازه به دوران رسیده که متأسفانه در کشور کم نداریم- تنها به دنبال نشان‌های خارجی‌اند؛ به قول خودشان برندهای خارجی»[3].

«... این بچه‌بازی‌های داخل خیابان‌ها -که بچه پول‌دارهای نوکیسه، با آن خودروهای کذایی آمده و دائماً نیز راه می‌روند، دائماً رژه می‌روند و دائماً پُز می‌دهند- به خاطر همین چیزها است؛ اصلاح الگوی مصرف. این را باید از کودکی به این جوان و نوجوان یاد داد»[4].

با توجه به مقدمات ذکر شده، در پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی و پژوهشی به تحلیل و تبیین پدیدهٔ نوکیسگی و ابعاد مختلف تأثیرگذاری این پدیده بر حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعهٔ ایران و نیز انقلاب اسلامی پرداخته شده است.

---

۱ . بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران: ۱۹ /تیر/ ۱۳۷۹ ر.ک http://www.leader.ir

۲ . دیدار رئیس جمهور و هیئت وزیران: ۱۰ /آذر/ ۱۳۸۱ ر.ک http://www.leader.ir.

۳ . بیانات در دیدار کارگران به مناسبت هفتهٔ کارگر: ۸ /اردیبهشت/ ۱۳۹۵ ر.ک http://www.leader.ir.

۴ . بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان به مناسبت هفتهٔ معلم: ۱۳ /اردیبهشت/ ۱۳۹۵ ر.ک. http://www.leader.ir.

۱- ریشهٔ نوکیسه

در لغتنامهٔ دهخدا برای لفظ نوکیسه[1] معنای نو دولت و نیز آنکه تازه به مال و دارایی رسیده، آورده شده است که در مقابل کهن کیسه قرار دارد. همچنین به معانی دیگری مانند تازه به دوران رسیده نیز اشاره شده است. در فرهنگ فارسی معین نیز معنای ندید بدید و تازه به دولت رسیده در ذیل آن آمده است[2].

ناصرخسرو در مورد نوکیسگان این چنین می سراید:

زنوکیسه مکن هرگز درم وام *** که رسوایی و جنگ آرد سرانجام

همچنین در قابوس‌نامه در مورد نوکیسگان چنین آمده است: «با مردم کم چیز و نوکیسه و ... معامله مکن»[3]. در قصص الانبیاء نیز در مورد این واژه چنین آمده است: «راز خویش با زن مگوی و از مردم نوکیسه وام مگیر و با عوام و فاسق دوستی مدار. در راه نوکیسه‌های را دید گفت قدری وجوه به من وام بده»[4].

همچنین خاقانی شروانی از قصیده‌سرایان بزرگ شعر فارسی از این واژه این‌گونه استفاده می‌کند:

نقد عمر تو برد خاقانی *** دهر نوکیسهٔ کهن بازار

همچنین در سند باد نامه لفظ نوکیسه بدین گونه به کار رفته است:

کی باشد کی که در تو آویزم *** چون در زر و سیم مرد نوکیسه[5]

همچنین سیف اسفرنگی از شعرای قصیده‌سرای قرن ششم و هفتم هجری، این‌گونه بر نوکیسگان می‌تازد:

«مردم نوکیسه حق‌شناس نباشد»

واژهٔ نوکیسه در مثل‌های فارسی نیز به کار رفته است که از جمله می‌توان به این دو مورد اشاره کرد:

از نوکیسه وام مخواه ، از نوکیسه قرض مکن ، قرض کردی خرج مکن

1-. nouveau riche, parvenus, upstart, new riche, nouveaux riches

۲-. لغتنامه آنلاین دهخدا، ر.ک https://www.vajehyab.com

۳-. منتخب قابوس‌نامه، ص ۱۸۳.

۴-. قصص الانبیاء، ر.ک https://www.vajehyab.com

۵-. سندباد نامه، ص ۲۶۰

در واقع می‌توان گفت که نوکیسگان بیشتر به قشری که از نظر درآمد به طبقۀ بالا و از نظر فرهنگی به طبقۀ پائین و حتی لمپن‌ها بسیار نزدیک است، اشاره دارد. لمپن‌های فرهنگی، علاقۀ بسیاری به خودنمایی، دیده شدن، عرض‌اندام و نوچه پروری دارند. البته نوکیسگان امروزی را جاهلان پورشه سوار نیز می‌نامند. در واقع یکی از واژگانی که در فرهنگ‌های لغت علوم سیاسی ارتباط وثیقی با پدیدۀ نوکیسگی دارد، واژۀ لمپن است. این واژه اصطلاحی است آلمانی که اغلب در مباحث جامعه‌شناسی سیاسی به کار می‌رود. در واقع لمپن به فردی اطلاق می‌شود که به هر دلیلی از طبقۀ خود رانده و به فساد کشیده شده است. لمپن[1] فاقد جایگاه و هویت طبقاتی، فاقد شغل و حرفۀ مشخص و بدون کار مفید برای جامعه است. دزدان، چاقوکشان، اوباش، ولگردان، روسپیان و باج‌گیران جزء لمپن‌ها محسوب می‌شوند. اصولاً لمپن‌ها در جوامع نابسامان در حال گذار از مرحلۀ سنتی به مرحلۀ صنعتی بوده و یا در جوامع صنعتی پدیدار می‌شوند.

همچنین واژۀ «اسنوبیسم[2]» در زبان انگلیسی همان کارایی فخرفروشی را در زبان فارسی دارد. «اسنوب‌ها» در فرهنگ غرب افرادی هستند که سعی می‌کنند با توسل به نمایه‌های ظاهری جلوه‌گری کنند و نگاه‌ها را به سوی خود بچرخانند. این اشخاص اگرچه از درون تهی هستند، اما ظاهری باابهت دارند. فرهنگ لغت آکسفورد واژۀ «اسنوبیسم» را این‌گونه تعریف کرده است: «فردی که افکار و رفتارش ناشی از تمجید پیش پا افتادۀ ثروت و موقعیت اجتماعی دیگران است[3]».

از آنجا که جامعۀ ایران در مقطع زمانی میان انقلاب مشروطه تا به قدرت رسیدن پهلوی اول، در حال گذار از مرحلۀ سنتی به مرحلۀ صنعتی بود، لذا پیدایش پدیدۀ لمپنیسم در این دوران مطابق با

1 . Lumpenproletariat is a term that was originally coined by Karl Marx to describe the layer of the working class that is unlikely ever to achieve class consciousness and is therefore lost to socially useful production, of no use to the revolutionary struggle, and perhaps even an impediment to the realization of a classless society.
2 . snobbism

۳ . یک نوکیسه: ماهی ۲۰ میلیون خرج می‌کنم!(۱۳۹۴)، ر.ک http://etedaal.ir

شرایط اجتماعی و تاریخی ایران محسوب می‌گردد. در واقع می‌توان لوطیان پنتی و عملهٔ جور و ظلم جامعهٔ سنتی را پیشگامان پیدایش لمپن در جامعهٔ ایران تلقی کرد[1].

نوکیسگی تنها ظهور و بروز اقتصادی ندارد و در واقع می‌توان گفت که اقتصاد از اولین و قابل مشاهده‌ترین حوزه‌هایی است که در آن رفتارهای نوکیسه‌مأبانه ظهور پیدا می‌کند. امّا باید توجه داشت که نوکیسگی در صورتی که رشد پیدا کند و به خصوص در صورتی که در حوزهٔ اقتصاد با مانع روبرو شود، در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی علمی خود را به نمایش می‌گذارد.

۲- شاخص‌های اقتصادی نوکیسگی

واژهٔ فرانسوی[2] «nouveau riche» به معنی تازه دارا شده است و افرادی را که ثروتشان را در نسل خود به دست آورده‌اند، توصیف می‌کنند. نوکیسه‌ها معمولاً از خانواده‌های طبقهٔ متوسط و یا کارگر هستند که ثروتمند شده‌اند. همچنین این افراد ممکن است که ثروت خود را با کمک مالی پدر و مادر خود به دست آورده باشند؛ بنابراین نکته در این است که دارندگی نوکیسه‌ها برخلاف قدیم دارندگان سابقهٔ تاریخی طولانی ندارد. افراد نوکیسه به دلیل ولخرجی و به رخ کشیدن ثروت خود، شناخته‌شده هستند و البته این رفتار اغلب اوقات بیشتر حالت اغراق به خود می‌گیرد. نوکیسه‌ها دوست دارند که ثروت خود را با خریدهای نمادین به رخ بکشند و این‌گونه خود را جزء طبقهٔ مرفه نشان دهند. الیگارشی روسیه نمونهٔ مثالی مردمان نوکیسه محسوب می‌شود.

در واقع وقتی گفته می‌شود که کسی از نظر اقتصادی نوکیسه است، منظور این است که بدون پشتوانهٔ صحیح و یا زحمت متناسب با نتیجه، به مال و یا مقامی برسد؛ به عبارت دیگر نوکیسه یعنی کسی که به تازگی وارد یک طبقهٔ اقتصادی و یا اجتماعی می‌شود و یا شخصی از طبقهٔ اقتصادی یا اجتماعی پایین که به

---

۱. کلهر و ماهری، ۱۳۸۸: ص ۱۷۶.

2 . nouveau riche

صورت ناگهانی سرمایه‌دار یا قدرتمند می‌گردد[۱]؛ بنابراین می‌توان گفت که نوکیسه صفت افرادی است که به دلیل وقوع برخی نابسامانی‌های اقتصادی و یا فرهنگی، با استفاده از رانت‌های دولتی و یا روابط ناسالم مافیاگونه، به ثروتی گزاف و بدون پشتوانه دست پیدا کرده‌اند.

۳- شاخص‌های رفتاری نوکیسه در مقایسه با طبقه مرفه

نوکیسه هیجان‌زده است امّا قدیم دارنده[۲] آرام است. نوکیسه در همه‌جا حاضر است، امّا قدیم دارنده خصوصی است. نوکیسه در همه زمان‌ها منفعل و فاقد قوهٔ تشخیص است، امّا قدیم دارنده گزینش و انتخاب می‌کند. نوکیسه دارای رفتارهای تیز و هیجانی است، در صورتی که کهن دارنده با وقار و خوش‌رفتار است. نوکیسه می‌خواهد همه بدانند، امّا کهن دارنده کاملاً محتاط و خردمند است. نوکیسه چیزهای پر سر و صدا را دوست دارد (مانند مارک‌ها)، امّا قدیم دارنده‌ها حس کنجکاوی را برمی‌انگیزانند. نوکیسه محق است، امّا قدیم دارنده قابل احترام، نوکیسه بی‌وقفه صحبت می‌کند، اما قدیم دارنده مشتاقانه گوش می‌دهد. نوکیسه به دست می‌آورد، اما قدیم دارنده می‌بخشد. سگ‌های نوکیسه‌ها شجره‌نامه دارند، امّا قدیم دارنده خود دارای شجره‌نامه است[۳].

نوکیسه برای این‌که به طبقه سابق خود ثابت کند که دیگر به آن‌ها تعلق ندارد و همچنین برای غلبه بر احساس حقارت خود در مقابل طبقهٔ جدیدی که به آن پرتاب شده است، مجبور به تظاهر است و ساده‌ترین راه برای تظاهر، خرید دیوانه‌وار کالاهای لوکس، نمایش عروسی‌ها، مهمانی‌ها و خانه‌های آن‌چنانی‌شان است.

---

۱. دیکشنری آنلاین آکسفورد (۲۰۱۴)، ر.ک / http://www.oxforddictionaries.com/definition/learner/parvenu

۲. aristocracy or the old riches

۳. رومولو، مانس (۲۰۱۵)، تفاوت نوکیسه با طبقه مرفه، ر.ک - http://www.philstar.com/sunday-whats-difference-between-old-rich-and-nouveau-riche/۱۴۹۶۳۴۹/۰۶/۰۹/۲۰۱۵/life

از این جهت است که عده‌ای نوکیسه‌ها را جاهلان پورشه سوار[1] می‌نامند. بی‌فرهنگی این افراد زمانی خود را بیشتر نشان می‌دهد که دیگران عکس و فیلم عروسی‌ها، پارتی‌ها، مراسم خانوادگی، خودروهای گران‌قیمت و خانه‌های لوکس آن‌ها را در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی می‌بینند و بدون هیچ پروایی این فیلم و عکس‌ها در شبکه‌های مختلف دست به دست می‌شود و این‌گونه این حرکت نوعی افتخار برای تظاهر و دیده شدن نوکیسه‌ها می‌شود[2].

از نظر فرهنگی نیز نوکیسه‌ها دارای رفتارهای خاصی هستند که از جمله آن‌ها: رعایت نکردن حقوق شهروندي و همسایگي و قوانین رانندگي، استفاده از عبارات رکیک در رویارویي با شهروندان و ... که از نمونهٔ بارز این‌گونه رفتارها است.

۴- تفاوت ثروت نوکیسه‌ها با طبقه ثروتمند

طبقهٔ مرفه ثروت خود را در یک نسل به دست نیاورده است، امّا نوکیسه‌ها معمولاً فاقد این پیشینه هستند. قدیم دارنده معمولاً با مالکیت زمین (اشراف مالک) شناخته می‌شود که ثروت خود را حداقل از سه نسل قبل به ارث برده است. این افراد دارای ثروت و منابع درآمدی مشخصی هستند و منبع درآمد آن‌ها نیز ثروت آن‌ها است. در واقع این افراد مجبور به کار نیستند -حداقل همان‌طور که می‌دانیم- امّا برخی از آن‌ها مدیریت می‌کنند. نوکیسه معمولاً به صنعتگران، بانکداران، بساز و بفروش‌ها، فعالان نفتی، مخترعان، سرمایه‌گذاران، بازیگران، موسیقی‌دانان و مانند آن‌ها اطلاق می‌شود. نوکیسه‌ها معمولاً در راحتی زندگی می‌کنند، امّا قدیم دارندگان دغدغه‌مند بوده و زندگی توأم با رنج و سختی را دوست دارند. نوکیسه‌ها معمولاً فراتر از میزان ثروت و دارایی خود زندگی می‌کنند و ماشین‌ها و خانه‌های لوکس و آخرین مدل دارند،

---

۱. آذری، ۱۳۹۴؛ ر.ک http://www.cloob.com

۲. حضور پدیده نوکیسه‌ها در جامعه (۱۳۹۴)، ر.ک http://www.irankhabar.ir

در صورتی که ممکن است به این اندازه پول و ثروت نداشته باشند.

نوکیسه‌ها معمولاً از نردبان شرکت‌های بزرگ بالا می‌روند و از طریق این شرکت‌ها نیز ترقی می‌کنند، امّا قدیم دارندگان معمولاً مالک این شرکت‌ها هستند. افراد نوکیسه معمولاً در ارتباطات خود با دیگران حد و مرزی ندارند و همه نوع دوست و رفتاری دارند، امّا قدیم دارندگان معمولاً از روی خرد و عقل دوستان خود را انتخاب می‌کنند.

هدف طبقهٔ نوکیسه کار برای کسب درآمد بیشتر است، امّا قدیم دارندگان علاوه برکسب درآمد، به یادگیری و کسب تجربه نیز اهمیت می‌دهند. ثروت نوکیسه‌ها ماشین، خانه و وسایل لوکس و تزئینی است، امّا برای قدیم دارندگان داشتن پول بیشتر اولویت دارد. نوکیسه‌ها با پول و درآمد، به صورت عاطفی و احساسی برخورد می‌کنند، امّا دارندگان قدیمی بخردانه و عقلانی برخورد می‌نمایند. به عنوان مثال در ایران خانواده‌های نوکیسه پول‌های زیادی را به صورت بی‌رویه در اختیار فرزندان خود قرار می‌دهند که ما شاهد خودنمایی نسل دوم این خانواده‌ها هستیم. به‌گونه‌ای که بعضی از جوانان ۱۸ ساله، اتومبیل‌های ۴۰۰-۵۰۰ میلیون تومانی سوار می‌شوند. در واقع افراد به پول درمانی گرایش پیدا کرده‌اند، زیرا بیشتر افراد جامعه باور دارند که پول جادوگر زندگی‌ها است و پول را معجزهٔ زندگی خود می‌دانند[1].

ثروت اغلب نوکیسه‌ها، بر خلاف سرمایه‌داران واقعی و قشر ثروتمند سنتی (تولید و کارآفرینی) صرف دلالی می‌شود که نه تنها سودی برای جامعه و اقشار دیگر ندارند، بلکه صدمه‌ای جدی به اقتصاد یک کشور وارد می‌سازد.

---

۱. حضور پدیدهٔ نوکیسه‌ها در جامعه(۱۳۹۴)، ر.ک. http://www.irankhabar.ir

۵- دلایل مذموم بودن

اینکه چرا نوکیسگی و رفتارهای نوکیسه‌گرانه مذموم است، بخشی به تلقی کلی از ثروتمندان برمی‌گردد، زیرا ثروتمندان اصولاً در همه جای دنیا چهره‌های چندان محبوبی نیستند. به عنوان مثال درآمریکا -که نماد سرمایه‌داری است- نیز مدیران شرکت‌های مالی با شدیدترین انتقادات مواجه هستند، چراکه بسیاری در جامعه اعتقاد دارند که درآمد این مدیران بسیار بیشتر از لیاقت آن‌ها است. در طی سال‌های اخیر بارها ادعاهایی در این مورد مطرح شده که مدیران بانک‌ها اقتصاد آمریکا را به ورطۀ بحران مالی کشاندند و سپس دولت با حمایت از بانک‌ها باعث شد که این مدیران نالایق نه تنها محاکمه نشوند، بلکه همچنان از درآمدهای میلیون دلاری بهره ببرند.

از طرف دیگر نوکیسه بودن و نوکیسه خواندن صفتی است که از سوی جامعه برای نشان دادن نارضایتی از این‌گونه رفتارها به کار می‌رود. زمانی که کسی نوکیسه نامیده می‌شود و یا رفتارهای خاصی برچسب نوکیسگی می‌خورد، درواقع مذموم بودن آن رفتارها را نشان می‌دهد. دلایل مذموم بودن رفتارهای نوکیسه گونه ریشۀ عرفی و قانونی، دینی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و نیز روان‌شناسانه دارد. عرف هر جامعه‌ای چارچوبی نانوشته را برای رفتارهای افراد آن جامعه مشخص می‌کند و کسانی که رفتارهای خود را مطابق با این عرف تنظیم نکنند، به نوعی با واکنش سایر افراد مواجهه می‌شوند. قانون نیز یکی دیگر از دلایل مذموم بودن رفتارهای افراد نوکیسه است، زیرا نوکیسه‌ها با رفتارهای خود به نوعی دست و پاگیر بودن قوانین را تبلیغ کرده وگاهی نیز با رفتارهای خود قانون را نقض می‌کنند.

رفتارهای نوکیسه‌مآبانه نقض صریح بسیار از آموزه‌های دینی مانند قناعت، نفی ریاکاری، فخرفروشی و رعایت عدالت و ... نیز است. نوکیسگی نوعی جذب شدن در دنیا و جذاب نشان دادن آن برای دیگر مردم است. پس نوکیسگی از طریق آرایش دنیا و مادیات، گناهی نابخشودنی است.

از نظر فرهنگی نیز رفتار نوکیسه‌گرانه مذموم است، زیرا کمک کردن به دیگران، دست‌گیری از آنان و ایجاد اشتغال و انجام کار خیر معمولاً ارزش فرهنگی دارد و نه ضربه زدن به این ارزش‌های فرهنگی. از نظر اجتماعی نیز تبلیغ و نمایش ثروت و دارندگی، پدیده‌ای مذموم و زشت است، زیرا همهٔ افراد جامعه در یک سطح مادی نیستند و طبیعتاً رفتارهای نوکیسگی موجب ایجاد تنفر و بی‌اعتمادی اجتماعی در جامعه می‌شود و شاید به شکل‌گیری رفتارهای تند اجتماعی نیز منجر گردد. از طرف دیگر نوکیسگی جامعه را دچار آشفتگی و تلاطم می‌کند.

یکی دیگر از دلایل مذموم بودن نوکیسگی از نظر اجتماعی این است که این شکل از دارندگی ناقص است و چون ناقص است، نمی‌تواند مشروعیت اجتماعی لازم را به دست آورد. دلایل ناقص بودن جایگاه نوکیسگی به عدم همراهی فرهنگ و شأنیت اجتماعی با این‌گونه افراد برمی‌گردد. به این دلیل که افراد نوکیسه سابقهٔ طولانی چندین نسل و نیز وجاهت رفتاری ندارند، مذموم نگریسته می‌شوند.

دور دور خودروها و یا نمایش ثروت از سوی افراد تازه به دوران رسیده، موجب بیشتر شدن فاصلهٔ طبقاتی در مقایسه با گذشته می‌شود و اینکه حداقل در ظاهر می‌توان فاصلهٔ اشاره شده را به نحوی بارز و ملموس‌تر مشاهده کرد. هر اندازه که فاصله و شکاف طبقاتی افزایش یابد، به همان میزان آسیب‌های اجتماعی سیر صعودی به خود می‌گیرد و به تعبیری می‌توان گفت شکاف و فاصلهٔ ایجاد شده با بزه، طلاق، اعتیاد، سرقت، درگیری‌ها و خشونت‌های کلامی و فیزیکی، مشکلات روحی، روانی و ... پر می‌شود. در جامعه‌ای که شاهد کاهش ازدواج، افزایش طلاق، کاهش فرصت‌های شغلی و معضلات این‌چنینی هستیم، حرکت خودروهای چند میلیارد تومانی در سطح شهرها از مظاهر تبعیض و خودنمایی است و در شرایطی که برخی برای گذران عمر و تأمین معیشت در پی شغل‌های دوم، سوم و چهارم هستند، بدون شک ویراژ و حرکت چنین خودروهایی با قیمت‌های سرسام‌آور، آرامش روحی و روانی را از بخش قابل توجهی از افراد جامعه می‌گیرد.

فرامرز رفیع پور جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی نیز معتقد است که افزایش و رشد نابرابری، موجب تبدیل ثروت به یک ارزش می‌شود و با تشدید این موضوع، ارزش‌های مادی در جامعه افزایش می‌یابد و به تدریج سطح نیازها نیز ارتقا پیدا می‌کند و در شرایطی که درآمدهای بسیاری از اقشار جامعه، کفاف رفع و تأمین چنین نیازهایی را نمی‌دهد، راه‌های رسیدن به اهداف دلخواه مسدود شده و به تبع آن کنترل‌های درونی و بیرونی با ضعف بیشتری مواجه می‌شود. از نظر ایشان در چنین شرایطی، بستر رشد و تسری آسیب‌های اجتماعی، خلاف و انحراف هموار شده و پس از مدتی چنین ناهنجاری‌هایی به هنجار تبدیل می‌شود[1].

۶- دلایل پیدایش نوکیسگان

بی‌شک دلایل بسیار زیادی در پیدایش نوکیسگان نقش دارند که می‌توان آن‌ها را ذیل دو دسته از عوامل اولیه و ثانویه تقسیم‌بندی کرد. منظور از عوامل اولیه عواملی است که معمولاً شخصیت یک فرد را شکل می‌دهند که مانند تربیت خانوادگی و اجتماعی و نوع آموزش می‌باشد. از طرف دیگر عوامل دیگری نیز در پیدایش این مسئله نقش دارند که در این تحقیق از آن‌ها با نام عوامل ثانویه یاد می‌کنیم و منظور از این دسته از عوامل، عوامل ساختاری است که در سطح کلان نقش‌آفرینی می‌کنند. از این دسته از عوامل می‌توان به ساختارهای اقتصادی و سیاسی یک کشور اشاره کرد. با توجه به این مقدمه در ذیل به بررسی این دو دسته از عوامل مؤثر در پیدایش نوکیسگان می‌پردازیم.

۱ . دور دور خودروهای میلیاردی بچه پولدارها امنیت روانی جامعه را به زیر میگیرد: (۱۳۹۴)، ر.ک http:// www.yjc.ir

۶-۱- دلایل بنیادی و اولیه پیدایش نوکیسگی

۶-۱-۱- تربیت خانوادگی و اجتماعی

بی‌شک مواد تربیتی‌ای که افراد در طول دوران کودکی و نوجوانی خود دریافت می‌کنند، نقش بسیار زیادی در گرایش آن‌ها به سوی رفتارهای خاصی مانند نوکیسگی ایفا می‌کند. هر اندازه اولین الگوهای رفتاری کودکان یعنی پدر و مادر در رفتارهای خود، خود نگهدار و اصالت طلب بوده و بکوشند که فرزندان خود را صبور و اهل کار و تلاش بارآورند و به فرزندان خود بیاموزند که معیار برتری انسان‌ها نه ظواهر و نمایش و مادیات، بلکه متانت و نوع‌دوستی است، طبیعتاً نوکیسگی کم‌فروغ‌تر می‌شود. برعکس اگر خانواده‌ای گرفتار مصرف بیمارگونه و مد باور باشد و به رقابت و چشم و هم‌چشمی اجتماعی اهمیت بدهد، طبیعتاً فرزندان آنان نیز خواه ناخواه در آینده معیار برتری اجتماعی را در این‌گونه رفتارها و معیارها خواهند یافت. والدین باید به فرزندان خود بیاموزند که ثروت، حاصل کار، فعالیت و تولید است و یک‌شبه نمی‌توان ره صدساله را پیمود.

در این رابطه رهبر معظم انقلاب در دیدار با معلمان و فرهنگیان در تاریخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۳، با بیان شاخص‌ها و ویژگی‌های مورد نیاز برای تربیت نسل آیندهٔ کشور فرمودند که مهم‌ترین شاخصه‌ای که باید در تربیت دانش‌آموزان مد نظر قرار گیرد، شکل‌گیری «هویت مستقل، عزتمند و دینی» در نسل آینده است. ایشان تأکید کردند که باید نوجوانان و جوانان کشور را به‌گونه‌ای تربیت کنیم که به دنبال سیاست، اقتصاد و فرهنگ مستقل باشند و هرگونه وابستگی در این مسائل را مذموم به شمار بیاورند.

همچنین رهبر معظم انقلاب کشور را از لحاظ این موضوع، دچار آسیب دانسته و افزودند: «علاقهٔ بیش از حد به استفاده از تعابیر فرنگی یک نمونه از این آسیب‌دیدگی است که از دوران طاغوت برای ما به ارث رسیده است». ایشان یکی از لوازم اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی را شکل‌گیری هویت مستقل در نوجوانان و جوانان دانستند و خاطرنشان کردند

که تا زمانی که روحیهٔ استقلال، مقاومت و ایستادگی وجود نداشته باشد، اگر مسئولان صدها جلسه هم برای اقتصاد مقاومتی بگذارند، در نهایت کار به نتیجهٔ کامل و صحیح نخواهد رسید. رهبر معظم انقلاب افزودند: «اقتصاد مقاومتی، اقتصاد بدون نفت و فرهنگ مستقل، هنگامی معنا پیدا می‌کند که هویت مستقل در جامعه شکل بگیرد». ایشان احیای «شاخص‌های ممتاز و مفاهیم جریان ساز» در دانش‌آموزان را یکی دیگر از وظایف سنگین معلمان و آموزش و پرورش دانسته و گفتند: «ایمان، اندیشه‌ورزی، مشارکت و همکاری اجتماعی و اصلاح الگوی مصرف از جملهٔ این شاخص‌های برجسته است که باید در نسل آینده رشد پیدا کند». در واقع فرد نباید به گونه‌ای تربیت شود که جامعه، فرهنگ و دولت را دشمن خود بپندارد و با به دست آوردن کوچک‌ترین فرصتی از این عرصه‌ها سوءاستفاده کند و تنها به فکر برداشتن سهم خود از این سفره‌های پهن‌شدهٔ خیالی باشد. فرد اگر به گونه‌ای تربیت شود که جامعه، کشور و دولت خود را به چشم توبره نگاه کند، هیچ مانعی نمی‌تواند وی را از غارت این منابع بازدارد.

۶-۱-۲- نوع آموزش

آموزش نیز تأثیر بسیار زیادی بر شکل‌دهی به نطفهٔ نوکیسگی در ناخودآگاه افراد دارد. در این زمینه رفتارهای معلمین از اهمیت زیادی برخوردار است. به نحوی که معلم هر اندازه که با حوصله و صبورتر و نیز با عدالت با دانش‌آموزان برخورد کند، مانعی جدی در برابر تبدیل آنان به نوکیسگان آینده محسوب خواهد شد، برعکس آن نیز معلمان هر اندازه که در کار خود بی‌اهمیت باشند و در ارزشیابی‌های تحصیلی خود از دانش آموزان، رعایت عدالت را ننمایند و نیز کار آموزشی خود را به درستی انجام ندهند، طبیعتاً دانش‌آموز نیز توانایی زیست عادلانه و طبیعی با دیگران را کسب نخواهد کرد و این‌گونه کسب ثروت از طرق میان‌بر و نوکیسه بازی برای او جذابیتی فراوان خواهد یافت.

باید در طول دوران تحصیل افراد کارآفرین، خلاق و صاحبان مشاغل و صنعتگران و تولیدکنندگان موفق به عنوان الگوی دانش‌آموزان معرفی شوند و نه به اصطلاح کارمندان ادارات و فعالین سیاسی. در واقع از دوران تحصیل باید هدف و نوع نگرش دانش‌آموزان به موفقیت و نیز کسب ثروت و منزلت اجتماعی به گونه‌ای باشد که تلاش و خلاقیت خود را معیار موفقیت خود بدانند و نه دولت را و تلقی آن‌ها از دولت تنها در حد تأمین امنیت و نظارت ارائه خدمات عمومی باشد و نه تنها فعال جامعه و منبع اصلی شغل و پول و ثروت.

از طرف دیگر سیستم آموزشی باید به نحوی باشد که استعدادهای دانش‌آموزان را شکوفا کند تا در آینده بتوانند از مجرای استعداد خود به افراد نخبه و کارآفرین و متخصص تبدیل شوند، در غیر این صورت آمال و آرزوی همهٔ افراد نزدیکی به قدرت سیاسی و بهره‌مندی از منابع حکومتی خواهد شد. در این باره رهبر معظم انقلاب در دیدار معلمان و فرهنگیان در تاریخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۳، توجه به اهمیت مراکز فنی و حرفه‌ای در مهارت افزایی و کارآمدی نسل جوان را یکی از اولویت‌های آموزش و پرورش برشمرده و فرمودند: «طبق گزارش‌ها، ۱۲ هزار نوع شغل در جامعه وجود دارد، امّا آیا باید همهٔ دانش‌آموزان با استعدادهای گوناگون، مسیر واحد و یکسانی را در تحصیلات خود طی کنند؟ همچنین ایشان تأکید کردند که باید استعدادهای دانش‌آموزان شناسایی و پرورش داده شوند تا استعدادهای پرورش‌یافته بتوانند منشأ ابتکار در مشاغل و حرفه‌های گوناگون شوند»

۶- ۲- دلایل اقتصادی شکل‌گیری نوکیسگی

نوکیسگی و ظهور و رشد نوکیسگان، شرایط اقتصادی خاصی را می‌طلبد. معمولاً در اقتصادهای بی‌ثبات (گرفتار رکود و رونق چرخشی و دوره‌ای) و فاقد قوانین نهادینه و ثابت و نیز متکی به واردات کلان و انبوه و فاقد زیربناهای تولیدی و نیز گستردگی و تسلط دولت بر اقتصاد و در نتیجه وجود انواع یارانه‌ها و مجوزهای دولتی برای فعالیت اقتصادی، شرایط برای رشد نوکیسگی به نحو

مطلوبی فراهم می‌شود. بهره‌مندی از رانت‌های دولتی از جمله به دست گرفتن پروژه‌های بدون مناقصه، فعالیت زیر پوشش نهادهای «خیریه» و «مذهبی» که عدم پرداخت مالیات و عدم حسابرسی عملکرد آنان را تضمین می‌کند، رشد فزایندۀ معاملات عظیم قاچاق کالاکه امروزه حجم آن در ایران معادل دو سال بودجه عمرانی کشور است، نبود دستگاه کارآمد نظارت و حسابرسی در بخش‌های اقتصادی نهادهای نظامی که اسکله‌ها و فرودگاه‌های خصوصی بین‌المللی در اختیار دارند و مشارکت عوامل حکومتی در معاملات پنهانی فروش نفت با توجیه «دور زدن تحریم‌ها» و دیگر عوامل سبب‌ساز ادامۀ رشد قارچ گونۀ این قشر فوق مرفه در ایران امروز شده است[1]. با توجه به اهمیت این موضوع در ادامه سعی می‌شود تا دلایل نوکیسگی مورد بررسی قرار گیرد.

۱- رانت[2]

به طور کلی رانت و رانت‌خواری به فعالیت اقتصادي‌ای گفته مي‌شود که توسط آن یک فرد یا یک واحد اقتصادي بتواند بدون آنکه ارزش‌افزوده بیشتري تولید کند، نفع بیشتری ببرد. به طور مشخص، پدیدۀ رانت‌خواري اولین بار توسط اقتصاددان آمریکایي، گوردون تولوک[3]، در رابطه با انحصارات مطرح شد. از دید تولوک، رانت‌خواري هنگامي رخ می‌دهد که شرکت‌هاي بزرگ با صرف منابع اقتصادي، مانند دادن رشوه و استخدام لابي‌گرها دولت را تحت فشار قرار مي‌دهند تا با استفاده از ابزارهاي اقتصادي و وضع قوانین جدید مانند ایجاد تعرفه، محدود کردن واردات، اعطاي یارانه‌هاي مستقیم و غیرمستقیم، جلوگیري از ورود شرکت‌هاي جدید به بازار و کنترل قیمت‌ها، محیط و شرایطي را که شرکت‌هاي مزبور در آن فعالیت مي‌کنند، به نفع آن‌ها تغییر دهد.

---

۱ . رییس دانا، فریبرز و حسن مکارمی (۱۳۹۵)، ظهور طبقه نوکیسه، ر.ک. http://swednews.com
2 . rent
3 . Gordon Tullock was an economist and professor of law and Economics at the George Mason University School of Law. He is best known for his work on public choice theory, the application of economic thinking to political issues.

دیوید پیرس در لغت‌نامۀ اقتصاد مدرن[1]، رانت را به شکل زیر تعریف می‌نماید: رانت پرداختی است در ازا یک عامل تولید که از میزان لازم برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن بیشتر است[2].

رانت موجب حاکم شدن نوعی روحیۀ رانتی در کشور می‌شود. ویژگی عمدۀ روحیۀ رانتی نیز این است که به گزارۀ «کار و کوشش علت ثروتمند شدن است» اعتقادی ندارد؛ به عبارت دیگر در اقتصاد رانتی، کار و فعالیت شدید اقتصادی علت ثروتمند شدن نیست، بلکه شانس و تصادف است که ثروت می‌آفرینند. این روحیۀ رانتی به طور خودکار پدیده‌ای را به دنبال می‌آورد که چاتلوس آن را اقتصاد چرخشی نامیده است. در واقع وی این اصطلاح را در مقابل اصطلاح اقتصاد تولیدی به کار می‌برد[3].

تجربۀ اقتصادهاي سوسياليستي و بسياري از كشورهاي توسعه‌نيافته، در حال رشد و نيز توسعه‌يافته نشان مي‌دهد كه رشد بیش از اندازه و كنترل نشدۀ دولت، به ويژه در عرصۀ اقتصادي بستر مناسبي را براي پيدايش و گسترش سرطاني رانت‌خواري به وجود مي‌آورد. بر اساس وجه کلاسیک نظريۀ «كارفرما - كارگزار» كه در آن عامۀ مردم حكم كارفرما و بوروكرات‌ها و كارمندان دولت حكم كارگزاران مردم را دارند، بوروكرات‌ها و كارمندان دولت مانند عاملان بخش خصوصي در پي حداکثر سازی منافع اقتصادي خود هستند. در چنين شرايطي، رشد گستردۀ دولت موجب رشد هرچه سريع‌تر مناسبات رانت‌خواري در اقتصاد خواهد شد، زيرا كارمندان دولت و سياستمداران براي كسب درآمد بيشتر اقدام به وضع قوانين دست‌وپاگير و ايجاد موانع بيشتر بر سر راه فعاليت‌هاي اقتصادي خواهند كرد تا با توليد رانت بيشتر، درآمد خود را به حداکثر برسانند. در واقع سياستمداران و كارمندان دولت خود به خيل رانت‌خواران پيوسته و با ايجاد موانع بيشتر موجب رشد فزايندۀ آن مي‌شوند.

---

1 . D.Pearce,The MIT Dictionary of Modern Ee- onomics

۲ . حاجی یوسفی، ۱۳۷۶: ص ۱۵۲.
۳ . همان، ۱۳۷۶: ص ۱۵۴.

۲-دلایل سیاسی نوکیسگی

نوکیسه عبارتی است که به تغییر یک‌شبه شرایط اقتصادی اطلاق می‌شود که جایگاه طبقاتی یک‌باره از طبقه‌ای به طبقهٔ دیگر منتقل شود. نوکیسگان شاید سابقه‌ای صدساله در ایران دارند که به دلیل تعدد تلاطم‌های اقتصادی، به خصوص پس از ورود نفت به اقتصاد به وجود آمده‌اند؛ زیرا دائماً در حال تجربهٔ تغییرات شدید اجتماعی به دلیل تفوق عنصر نفت بر اقتصاد ایران هستیم. اگر حجم تولید ناخالص داخلی بدون نفت در سال ۱۳۹۰ را حدود ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد کنیم، حدود ۳۰۰ میلیارد آن تزریق درآمد حاصل از نفت به اقتصاد ایران بوده است که این خود عامل ایجاد تلاطم‌های شدید اقتصادی بوده است.

نوکیسگان سیاسی نقش مهمی در به وجود آمدن نوکیسگی اقتصادی داشته و دارند؛ یعنی یکی از دلایل نوکیسگی، ناامنی‌ها و نا اطمینانی‌هایی است که این دسته از افراد با آن مواجهه هستند و می‌خواهند یک‌شبه راه صدساله را طی کنند، آن هم به این دلیل که اطمینان ندارند که آیا چند صباح دیگر بر سر کار خواهند بود یا خیر. همچنین به دلیل اینکه حضورشان نه براساس شایستگی بلکه براساس مناسبات قوم و خویشی یا ارتباطات سیاسی بوده که شکل گرفته است. به همین دلیل نیز از یك فرصتی که به ناگاه پیدا شده، سعی کرده‌اند یک‌شبه کمال استفاده را بکنند و همین کار را نیز کرده‌اند.

در تعاریف اقتصادی از نقش منفی سیاستمداران در اقتصاد به سرمایه‌داری رفاقتی و یا اقتصاد رفاقتی تعبیر می‌شود. این‌ها کسانی هستند که نوعاً در اثر ارتباطات و موقعیت‌های سیاسی و یا قوم و خویشی یا حزبی (اداری و سازمانی)، می‌توانند در اثر تغییرات سیاسی به یک‌باره به موقعیت‌ها و امتیازهای اقتصادی، دسترسی به انحصار، دسترسی به اعتبارات بانکی یا قدرت تأثیرگذاری بر قیمت‌گذاری و قیمت‌ها در مورد برخی کالاها، دسترسی به اطلاعات درون سیستمی و ... پیدا کنند که این امر می‌تواند موقعیت آن‌ها را یک‌شبه یا در یك فرصت بسیار کوتاه به شدت دگرگون کند؛ بنابراین مسئول اصلی شکل‌گیری پدیدهٔ نوکیسگی نظام اقتصادی رفاقتی است.

۳- نوسانات اقتصاد

اهمیت تکانه‌های تقاضا (مانند سیاست‌های پولی و مالی) در برابر تکانه‌های عرضه (مانند بهره‌وری، عرضه نیروی کار و اصلاحات ساختاری) در نوسانات تولید، یک مقولهٔ حل نشده در اقتصاد کلان تجربی و نظری محسوب می‌شود. به طور کلی، تمامی اقتصادها به نوعی با شوک‌های کلان اقتصادی مواجه هستند، امّا وابستگی شدید صادرات کشورهای درحال‌توسعه مانند آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا به منابع طبیعی و مواد اولیه‌ای مانند نفت، باعث شده است تا بروز شوک‌های کلان نفتی یکی از ویژگی‌های این کشورها باشد[۱]. دلیل این مسئله نیز این است که درآمدهای نفتی که حجم قابل ملاحظه‌ای از صادرات و درآمدهای دولتی را فراهم می‌کنند، شدیداً تحت تأثیر قیمت نفت قرار دارند که یک متغیر برون‌زا محسوب می‌شود. بی‌ثباتی این درآمدها نتایج بسیار منفی در اقتصاد کشور ایجاد می‌کند. جالب توجه است که اثر بی‌ثباتی خواه ناشی از افزایش قیمت نفت خواه به علت کاهش قیمت آن، در بلندمدت بر رشد اقتصادی تأثیری منفی دارد.

۴-دلالی و واسطه‌گری

دلالی شغلی است که صاحب آن با معرفی و نزدیک کردن طرفین یک معامله به همدیگر، شرایط و خصوصیات معامله را برای آنان تشریح کرده و سعی می‌کند تا با تطبیق منافع طرفین، معامله را جوش دهد. دلال ممکن است در تنظیم سند معامله نیز همکاری کند، امّا شغل و وظیفهٔ او صرفاً انجام مذاکرات ابتدایی و فراهم آوردن زمینهٔ توافق است و حق انعقاد قرارداد و همچنین به اجراگذاشتن تعهدات طرفین و یا دریافت و پرداخت موضوع تعهد را ندارد. درواقع دلالان حلقهٔ واسط میان طرفین معامله «خریدار و فروشنده» هستند. دلالان کالا، دلالان حمل‌ونقل خاکی، حمل‌ونقل آبی و مواردی دیگر مثال‌های این موضوع هستند و عرف تجارت نیز انواع خاص دیگری مانند دلالان بیمه، دلالان تبلیغات و دلالان ازدواج را به آنان افزوده است.

---
۱. نوفرستی و محمدی، ۱۳۸۸: ص ۳۲.

در اقتصادهای غیرمولد دلالی و سفته‌بازی رشد فراوانی پیدا می‌کند. در اینجا نیز مانند مورد قبل، یکی از دلایل به وجود آمدن شرایط دلالی در یک نظام اقتصادی، نظام اقتصادی رفاقتی است که به دلیل عدم حاکمیت قدرتمند یا مستحکم قانون در آن، این فرصت‌های سوءاستفاده یا موقعیت‌های ممتاز را برای افرادی که فاقد صلاحیت‌های دسترسی به موقعیت‌های جدید هستند، فراهم می‌کند. بنابراین باید علت اقتصاد دلالانه را در فقدان کارکرد صحیح نهادهای مدنی در رفتارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه جست‌وجو کرد. ضمن اینکه انسداد سیاسی یکی از بسترهایی است که این دسته از فعالیت‌ها می‌توانند در آن رشد کنند. همهٔ این‌ها اتفاقاتی است که با درآمدهای بادآورده و بی‌سابقهٔ ارزی نفت و گاز به وقوع می‌پیوندد. مجموعهٔ این موارد عملاً موجب رقم خوردن فساد بی‌سابقهٔ سیاسی و اقتصادی در کشور می‌شود.

فساد اقتصادی، تبعات منفی بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی دارد و موجب عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی کشورها می‌گردد. فساد و از جمله فساد مالی می‌تواند فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت و فعالیت‌های زیرزمینی سوق دهد و سازمان‌های مافیایی را پرورش دهد؛ یعنی به نوعی اجزای یک اقتصاد ناسالم و معیوب به صورت چرخه‌ای همدیگر را تقویت می‌کنند. با توجه به اینکه فساد، منابع مالی را از هدف خود منحرف می‌سازد، این منابع نمی‌توانند کمک چندانی به رشد اقتصادی کشورها بکنند.

در واقع می‌توان گفت که ظهور نوکیسه‌ها بعضاً نتیجهٔ وجود فساد اقتصادی در اقتصاد یک کشور است، زیرا فساد اقتصادی موجب ایجاد اخلال در نظام اقتصادی یک کشور گردیده و با خارج کردن این امور از مجرای صحیح خود، موجب از بین رفتن عدالت اجتماعی، افزایش فاصلهٔ طبقاتی، سلب اعتماد عمومی و افزایش محرومیت و فقر تودهٔ کثیری از مردم در اثر ثروت‌اندوزی عدهٔ قلیلی می‌شود که به دلیل برخوردار بودن از امکانات نامشروع اقتصادی و همچنین قدرت سیاسی و امکان برقراری ارتباط خاص با مسئولین مراکز تصمیم گیرندهٔ اقتصادی و بهره‌مندی و دسترسی سریع

به این قبیل اطلاعات و به دست آوردن فرصت‌های غیرقانونی در سوءاستفاده از رانت‌های اطلاعاتی و بهره‌مندی از خلأهای قانونی مرتکب می‌شوند[۱].

جدول شماره یک: رتبه ایران از منظر شاخص فساد در جهان[۲]

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
رتبه ایران	۹۳	۱۰۵	۱۳۱	۱۴۱	۱۶۸	۱۴۶	۱۲۰	۱۳۳	۱۴۴	۱۳۶	۱۳۱

نمرهٔ شاخص ادراک فساد عددی بین ۰ تا ۱۰۰ است که هر چه عدد پایین‌تری را نشان دهد، به معنای فساد بیشتر در آن کشور است. شاخص درک فساد (CPI) بر روي فساد در بخش عمومي (شامل دولت) متمرکز شده است و فساد را سوءاستفادهٔ بخش عمومي و دستگاه‌هاي دولتي از منافع افراد جامعه تعریف مي‌کند.

به هر حال آن چیزي که واضح می‌نماید این است که وضعیت فساد در کشورمان وخیم است و این موضوع را مي‌توان در پاسخ رهبر معظم انقلاب به درخواست جهانگیري در همایش ملي ارتقاي سلامت نظام اداري و مقابله با فساد دید: «مگر وضعیت (فساد) براي شما مسئولان سه قوه روشن نیست؟ با توجه به شرایط مناسب و امیدبخشي که از لحاظ همدلي و هماهنگي و همفکري میان مسئولان امر وجود دارد، چرا اقدام قاطع و اساسي انجام نمي‌گیرد که نتیجه را همه به طور ملموس مشاهده کنند». پیش از این رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۸۰ در فرماني ۸ ماده‌اي ۳ قوه را به برخورد با مفاسد اقتصادي ملزم کرده بودند[۳].

---

۱. فراهانی، ۱۳۸۴: ص ۳۴.

2. https://www.transparency.org/cpi2014/results

۳. رتبه نامناسب ایران از نظر فساد اقتصادي با وجود هشدارهاي رهبري (۱۳۹۴)، ر.ک. http://www.taamolnews.ir/fa/news/۸۶۷۱۷

۵- استکبار جهانی و نوکیسگی

نظام بین‌المللی‌ای که در رأس آن قدرت‌های مستکبر قرار دارند، در پیدایش و رشد نوکیسگی در کشورهای دیگر نقش مهمی بازی می‌کنند. امّا چگونه؟ در واقع قدرت‌های مستکبری که در نظام بین‌الملل خود را حافظ و ناظر این نظام و مبادلات سیاسی، نظامی، اقتصادی و حتی فرهنگی آن می‌دانند، اجازه نمی‌دهند که هیچ کشوری خارج از معادلاتی که خود برای این نظام تعریف و مشخص کرده‌اند، حرکت کند و در صورتی که کشوری با قوانین این نظام همراهی ننماید، سعی می‌کنند که با اعمال سیاست‌های تنبیهی آن کشور به اصطلاح خودشان یاغی و به اصطلاح خودمان انقلابی را دوباره به مدار نظام برگردانند. برای این کار از مکانیسم‌های مختلفی نیز استفاده می‌کنند: مهم‌ترین مکانیسم‌های سردمداران مستکبر نظام بین‌الملل برای تنبیه این‌گونه کشورها استفاده از سازوکارهای سازمان‌های بین‌المللی (مانند سازمان ملل، شورای امنیت، سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و ...) و نیز موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و نیز مبادلات اقتصادی بین‌المللی است، به این نحو که به کشور مورد نظر اجازۀ حضور در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و یا منطقه‌ای را نمی‌دهند و یا اینکه با وضع تحریم‌های مختلف آن کشور را از واردات و صادرات کالا و تکنولوژی محروم می‌کنند. در طول تاریخ نظام بین‌الملل کشورهایی همچون چین، کوبا، عراق و روسیه و نیز کشورمان ایران با این وضعیت مواجهه بوده‌اند. نکتۀ جالب توجه واکنش این کشورها نسبت به تحریم‌ها است که در واقع به نوعی در اکثر موارد تن دادن و تسلیم شدن بوده است.

بررسی تحریم‌ها موضوع تحقیق حاضر نیست، بلکه ما می‌خواهیم بدانیم که تحریم‌های کشورهای مستکبر چگونه موجب رشد قشر نوکیسه در کشورهای هدف می‌شوند. در این رابطه باید توجه داشت که تحریم‌ها در دو برهۀ زمانی موجب نوکیسه آفرینی و رشد این قشر در کشورها شده است که عبارت‌اند از:

الف)- در دوران تحریم

در این دوران ساختارهای داخلی کشور تحریم شده خواه ناخواه دولتی می‌شود و همهٔ فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زیر سایهٔ حمایت و دخالت دولت اداره می‌شود. طبیعتاً در این شرایط کسانی که رأس هرم قدرت سیاسی را در اختیار داشته باشند، از امتیازات اقتصادی و مالی (رانت، ویژه خواری، انحصار، معافیت مالیاتی، انحصار واردات و صادرات و دور زدن تحریم‌ها و ...) ویژه‌ای بهره‌مند می‌شوند و این‌گونه می‌شود که این افراد صاحب ثروت‌های کلانی می‌شوند.

به عنوان مثال در زمان دولت احمدی‌نژاد تحریم‌های سخت آمریکا سبب شد که افرادی به دنبال این باشند که پول فروش نفت ایران را از بانک‌هایی که آن را بلوکه کرده بودند، خارج کنند و یا پول فروش‌های جدید را در بانک‌هایی بریزند که قابل برداشت برای دولت باشد و یا قابل خرید کردن برای دولت و نیز کسانی که حواله خرید یا فروش کالا در خارج داشتند توسط دولت کارشان راه بیفتد، چرا که سیستم سوئیفت دچار تحریم‌های سخت شده بود. از مهم‌ترین کسانی که در این زمینه فعال بودند، باند بابک زنجانی بود.

در واقع تحریم‌ها از جمله آفات و آسیب‌هایی که به همراه دارد، فراهم کردن زمینه‌های رشد دلالی و واسطه‌گری‌های مخرب و مهیا کردن شرایط درآمدهای بسیار کلان و نادرست و همچنین ایجاد بسترهای رانت‌خواری و ویژه پروری برای عده‌ای بوده که اتفاقاً به دلیل نداشتن ظرفیت‌های روانی- فرهنگی لازم، به نحوی بسیار نامطلوب، ثروت‌های بادآورده را در جامعه به نمایش گذاشته و در فقیر شدن قشرهای مختلف مردم و به خصوص در ایجاد و افزایش احساس عدم رضایت از زندگی آنان و ترویج بی‌اعتمادی میان شهروندان و سیستم، نقش بسزایی داشته‌اند.

ب)- در دوران پسا تحریم

بسیاری از کشورهایی که با تحریم‌های کشورهای مستکبر نظام بین‌الملل مواجهه بوده‌اند، در دوران بعد از تحریم برای اصلاح عقب‌ماندگی‌های اقتصادی خود و برای استفاده از مزایای اقتصادی اقتصاد بین‌الملل و خلاصی یافتن از هزینه‌های فزایندهٔ اقتصاد

دولتی، خصوصی سازی بی قاعده و قانون را در دستورکار خود قرار دادند که این وضعیت موجب شخصی سازی بسیاری از شرکت ها و نهادهای ملی شده است که دو دسته از این خصوصی سازی نفع بردند:

اول کسانی که در دوران تحریم از قبل تحریم‌ها و استفاده از امتیازات دولتی ثروتی اندوخته بودند، در دوران پسا تحریم توانستند با خرید سهام شرکت ها و کارخانه‌ها و صنایع دولتی صاحب این صنایع شوند و دوم، کسانی که جزء طبقهٔ متوسط بودند که با فرصت شناسی و استفاده از ترفندهای مختلف از جمله گرفتن وام از بنگاه های دولتی توانستند همه یا قسمتی از سهام بنگاه‌های دولتی را تصاحب کنند که نتیجهٔ هر دوی این وضعیت ها ظهور و قدرت یافتن بیشتر نوکیسه ها می شود که می‌توان آن را به عینه در همهٔ این کشورها مشاهده کرد.

به عنوان مثال در کشورمان با سیاست‌های دولت چهارم و پنجم، زمانی که به دنبال توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول واگذاری شرکت های دولتی در دستورکار قرار گرفت، نوکیسگان نیز جانی دوباره گرفتند. سهام مؤسسات دولتی که تا آن روز تحت لوای دولت فعالیت می‌کردند، بر طبق مصوبهٔ سال ۱۳۷۰ هیئت وزیران، بر روی میز فروش رفت. امّا این امر آغاز ماجرای فساد اقتصادی درروند خصوصی‌سازی بود، زیرا از همان ابتدا انحراف از مسیر قانونی با تصویب واگذاری شرکت ها از طریق مزایده و مذاکره و به مدیران دولتی شکل گرفت. به دنبال این مصوبه برخی از مدیران دست درازی خود را به اموال دولت آغازکردند و درعمل تمام تمهیداتی که برای کنترل سلامت نحوه واگذاری ها به عمل آمده بود، نقش بر آب شد[1].

۶-۳- دلایل فرهنگی و روانی نوکیسگی

یکی از مهم‌ترین ابعاد مسئلهٔ نوکیسگی بررسی ابعاد روانی و فرهنگی این قضیه است. بی‌شک بررسی این مسئله از بعد فرهنگی و روانی می‌تواند حاوی نکات ارزشمندی برای مقابله با این روحیه باشد. در واقع همان‌طورکه شاید شنیده باشیم وقتی

---

۱. احسانی نیا(۱۳۹۱)، دولت رفسنجانی و نوکیسگانی که این‌گونه در اقتصاد ایران ظهور کردند، ر.ک. //:http kusarevelayat.parsiblog.com

فردی از خود کم‌تر بینی و ضعف اعتماد به نفس رنج می‌برد و نمی‌تواند با آن به مبارزه برخیزد و تعادلی در خود به وجود آورد، سعی می‌کند با کتمان خود کم‌تر بینی و خودنمایی و ریاکاری، اطرافیان خود را نسبت به نظری که دربارهٔ وی دارند، فریب دهد. به عنوان مثال زمانی که فرد فاقد کمالات و خوبی‌ها است، با ریاکاری سعی می‌کند خود را واجد آن‌ها نشان دهد؛ همچون ترسویی که اگر مجبور باشد در محل دورافتاده‌ای در تاریکی و تنهایی شب راه برود، سوت می‌زند تا خود را با شهامت و بی‌باک نشان دهد. چنین افرادی با لاف زدن یا دروغ‌گویی، به هر نسبت که احساس ناچیزی می‌کنند، می‌کوشند تا خود را درخشان‌تر و جالب‌تر جلوه دهند. به عنوان مثال افراد شکست‌خورده‌ای که نتوانسته‌اند به تحصیلات بالا دست یابند یا یک موقعیت اجتماعی خوب کسب کنند، از این خودنمایی بی‌بهره نیستند. در دختران، این جلب توجه و خودنمایی به صورت‌هایی همچون لباس‌های تجمّلی، آرایش خیابانی، ادا و اطوار دانشجو و استاد درآوردن، روی آوردن به مُد، حضور در اجتماعات جنجال‌برانگیز، حفظ چند اصطلاح علمی و غربی و به‌کاربردن آن‌ها در انتقادها و مخالفت‌ها، تغییر در صدا و در راه رفتن و مانند آن بروز می‌کند. پسران ناکام مانده نیز با روی آوردن به تصاویر قهرمانان، آرایش شکل و موی خود به صورتی متفاوت با دیگران، پوشیدن لباس شهرت، تقلید از چهره‌های فوتبالی و سینمایی، انجام کارهای متهورانه و ماجراجویانه در رانندگی، روی آوردن به دخانیات و ادای روشنفکران را درآوردن و انتقاد، مخالفت و شبهه افکنی توجه دیگران را به خود جلب می‌کنند.

شگفتی در این است که کلیه این وسوسه‌ها و اعمالی که برای سرپوش گذاشتن بر واقعیت‌ها از افراد سر می‌زند به آسانی مورد قبول مردم واقع می‌شود و نه تنها این نکته در معاشرت‌های روزمره غالباً به وقوع می‌پیوندد، بلکه در صحنهٔ سیاست نیز چه بسا بی‌خردانی که بر اثر ظاهر غلط نمای خود به کسب شهرت نائل آمده و به جایگاه نخبگی سیاسی می‌رسند. همه داستان حالت نوکیسه‌ها و تازه به دوران رسیده‌ها را می‌دانند که چه سفره‌های

رنگی و چه تجملات پرزرق و برقی در منازل به راه می‌اندازند. مگر اتومبیل بهترین وسیلهٔ جبران نیست؟ کم فهم‌ترین، ضعیف‌ترین و کندترین فرد نیز می‌تواند بدون هیچ زحمتی برای خود، وجههٔ قدرت و سرعت کسب کند و همچنین در جاده‌ها و راه‌ها از لذت سبقت گرفتن بر دیگران سرمست شود. کسانی که از خود کم‌تر بینی رنج می‌برند غالباً چهرهٔ قوی نمایی دارند. نشان دادن نیرو و توانایی غالباً نشانهٔ ضعف نهانی و اعتراف ناکرده است، زیرا کسی که واقعاً نیرومند است احتیاجی به این ندارد که زور بازوی خود را به رُخ دیگران بکشد. از این‌رو، مشهور است که طبل توخالی پر صدا است. بدین روی، انسان‌های ضعیف، کم‌مایه، ناتوان، شکست‌خورده و ناکام، گرفتار هذیان بزرگ‌نمایی هستند. البته این‌گونه خود کم‌تر بینی نه تنها در افراد صادق است، بلکه در مورد اجتماعات و حکومت‌ها نیز مصداق دارد، دولت‌هایی که خود را تا دندان مسلح کرده و دائماً از قراردادهای نظامی سخن به میان می‌آورند و هر روز آلات و ادوات نظامی خود را به رخ کشورهای هم‌جوار می‌کشند، غول‌های آهنین نمایی هستند که پای چوبین دارند.

افرادی که از خود کم‌تر بینی رنج می‌برند، فاقد اعتماد به نفس بوده و دارای وابستگی شدید، عدم اعتماد به نفس، عدم استقلال و بی‌هویتی هستند. صفات منفی دیگری نیز در هر دوره به صورت‌های متنوعی در آن‌ها بروز می‌کند، از جمله اینکه به عنوان مثال، در دوران کودکی، جدا شدن از والدین، ترس از مدرسه، کم‌رویی و در نوجوانی و جوانی، انزوا و در بسیاری از موارد، روی آوردن به تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیگر، شکلی از جبران خود کم‌تر بینی است. آنان به دلیل این‌که خود را در فرهنگ و جامعهٔ خویش ناتوان و شکست‌خورده می‌پندارند، ادعا می‌کنند که دیگر جامعهٔ سنتی پاسخگوی نیازهایشان نیست. در نتیجه به جامعهٔ نوین و فرهنگی فراتر و ماشینی‌تر از جامعهٔ خود می‌اندیشند. این بی‌هویتی معمولاً در کردار و گفتارشان به خوبی آشکار است. در واقع آن‌ها در سخنانشان از کلمات و واژه‌های غربی زیاد استفاده می‌کنند و اسامی غربی را می‌پسندند، غذاهای آن‌ها را تبلیغ می‌کنند و

خود را روشن‌فکرانی می‌دانند که حصارهای درون را شکسته و به مرزهای برون راه یافته‌اند، به عقیدهٔ آنان غرب، بهشت برین است و در هر محفل و مجلسی از قوانین و آداب آن‌ها می‌گویند و بدی‌ها و ضعف‌هایشان راکتمان می‌کنند. بسیاری از این بیگانه‌پرستی‌ها و دل بستن به اجانب نشان از بی‌هویتی و خودباختگی و عدم اعتماد به خویشتن است که با شنیدن وصف اجانب، شیفتهٔ آن‌ها می‌گردند و بر این باور هستند که بدون اتکا به آن‌ها نمی‌توان زندگی کرد. نقش چنین افراد خود کم‌تر بین و حقیری در سه نهضت اخیر ایران (مشروطه، صنعت نفت و انقلاب اسلامی ایران) کاملاً مشهود است. در واقع آن‌ها تمام تلاش و کوشش خود را صرف وابستگی به قدرت‌های بیگانه می‌کنند، چنان‌که گویی هیچ مأموریتی جز وابسته کردن مردم به بیگانگان ندارند و فکر می‌کنند که با این وابستگی و روی آوردن به اجانب، خودکم‌تر بینی شخصی و اجتماعی خود را جبران نموده و به بزرگی رسیده‌اند؛ بنابراین افراد نوکیسه به طور کلی از نظر فرهنگی و روانی دارای ویژگی‌هایی هستند که در ادامه به صورت خلاصه موارد دیگری از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- روشنفکر نمایان غرب‌گرا

نوکیسگی می‌تواند شکل علمی به خود بگیرد و در قالب افرادی که ادعای روشنفکری دارند، تجلی یابد که در این حالت روشنفکر نمایان خود کمتر بین در ابتدا برای جلب توجه، به نقد قوانین فرهنگی، مذهبی و سنتی جامعه خود پرداخته و در مقابل، از قوانین و فرهنگ اجانب تعریف و تمجید می‌کنند و از الفاظ و واژه‌های کلی استفاده نموده و هیچ‌گونه تعریف صحیحی از آن‌ها ارائه نمی‌دهند و حاضر نیز نیستند که واژه‌ها را مقیّد بیان کنند[۱]. آن‌ها از این اطلاق گویی دو هدف را دنبال می‌کنند: یکی جذب هواداران بیشتر و کسب محبوبیت و شهرت در میان گروه‌ها و احزاب و دیگر فرار از انتقاد و پاسخگویی به مخالفان. به عنوان مثال، با استفاده از واژهٔ آزادی ـ به نحو مطلق و نه مقید ـ از یک سو هواداران

۱. جلالی، ۱۳۸۸: ص ۶۳

و احزاب بیشتری را می‌طلبند و از سوی دیگر، در پاسخ به انتقاد مخالفان، منظور خود را به هر نحوی که خواستند، بیان می‌کنند. آنان در تحقیقات، خود را ملزم به استفاده ازکتب و منابع لاتین می‌دانند، هرچندکه منابع عربی و فارسی غنی‌تری در اختیار داشته باشند. در واقع در سخنرانی‌ها، از واژه‌های نو و جذاب مصطلح در فرهنگ غرب استفاده می‌کنند.

در این رابطه رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «اول چیزی که لازم است ما برای دانش‌آموز خودمان در نظر بگیریم، این است که در او هویت مستقل ملی و دینی به وجود بیاوریم. درواقع این اولین چیز، هویت مستقل و با عزت است. ما باید جوانمان را به گونه‌ای رشد دهیم که به دنبال سیاست، اقتصاد و فرهنگ مستقل باشد و وابستگی، اعتماد و تکیهٔ به دیگران در وجود او به عنوان یک روحیه رشد پیدا نکند. ما از این جهت دچار آسیب هستیم. این را به شما عرض کنم! شما می بینید که یک کلمهٔ فرنگی که وارد کشور می شود، فوراً بزرگ و کوچک و عمامه‌ای و غیر عمامه‌ای و مانند این‌ها، همه این کلمه را به کار می‌برند. خوب چرا؟ چرا ما این‌قدر مشتاق و تشنه‌ایم که تعبیرات فرنگی به کار ببریم؟ چرا؟ این همان حالتی است که به ارث برای ما گذاشته‌اند. این همان حالت دوران طاغوت است که دوران جوانی خود ما است. بنده آن زمان را به یاد دارم. خود بنده نیز در آن زمان که جوان بودم، با دیگران مسابقه گذاشته بودیم که از این تعبیرات فرنگی استفاده کنیم. در واقع هرکسی که از این تعبیرات بیشتر استفاده می‌کرد، نشان دهندهٔ این بود که روشنفکرتر و آگاه‌تر است و مانند این‌ها. در صورتی که این غلط است. هویت مستقل، اولین چیزی است که ما باید در جوان و در نوجوان خودمان رشد و پرورش بدهیم»[1].

---

۱ . بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳/۰۲/۱۳۹۵، ر.ک http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۹۷۰

۲- سبک زندگی اسلامی و انقلابی و معضلی به نام نوکیسه

به طور خلاصه، نوکیسه‌ها سبک زندگی، لباس پوشیدن، نام‌گذاری فرزندان، حتی کوچه‌ها و خیابان‌ها را به شکل غربی می‌پسندند. مناسب است در اینجا به سخن امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه‌شان به ملت شریف ایران، توجه کنیم. ایشان می‌نویسند: «از جمله نقشه‌ها که مع‌الأسف تأثیر بزرگی درکشورها و کشورعزیزمان گذاشت و آثار آن تا حدود زیادی به جای مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب‌زده و شرق زده نمودن آنان است، به طوری که خود، فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و دو قدرت را قبله‌گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرایض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند و قصهٔ این امر غم‌انگیز طولانی و ضربه‌هایی که از آنان خورده و اکنون نیز می‌خوریم، کشنده و کوبنده است. غم‌انگیزتر نیز این‌که آنان ملت‌های ستمدیدهٔ زیر سلطه را در همه‌چیز عقب نگه داشته و کشورهایی مصرفی باور آوردند و به قدری ما را از پیشرفت‌های خود و قدرت‌های شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرئت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه‌چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان آنان هستیم و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که درهیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم، بلکه از فرهنگ، ادب، صنعت و ابتکار ـ اگر داشتیم ـ نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زدهٔ بی‌فرهنگ، آن‌ها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مأیوس نموده و می‌نمایند و رسوم و آداب اجنبی را ـ هرچند مبتذل و مفتضح باشد ـ با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداحی و ثناگویی، آن‌ها را به خورد ملت‌ها داده و می‌دهند... فی‌المثل اگر درکتاب، نوشته یا گفتاری چند واژهٔ فرنگی باشد، بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته و گوینده و نویسندهٔ آن را دانشمند و روشنفکر به حساب می‌آورند و ازگهواره تا قبر به هرچه بنگریم اگر با واژهٔ غربی و شرقی اسم‌گذاری شود، مرغوب و

مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب شده و اگر واژه‌های بومی خودی به کار رود، مطرود و کهنه و واپس زده خواهد بود. کودکان ما اگر نام غربی داشته باشند، مفتخر هستند و اگر نام خودی داشته باشند، سربه‌زیر و عقب افتاده‌اند. خیابان‌ها، کوچه‌ها، مغازه‌ها، شرکت‌ها، داروخانه‌ها، کتابخانه‌ها، پارچه‌ها و دیگر متاع‌ها، هرچند در داخل تهیه شده باشند، باید نام خارجی داشته باشند تا مردم از آن راضی بوده و به آن اقبال کنند. فرنگی مآبی از سر تا پا و در تمام نشست و برخاست‌ها و در معاشرت‌ها و تمام شئون زندگی، موجب افتخار، سربلندی، تمدن و پیشرفت شده و در مقابل آداب و رسوم خودی، کهنه‌پرستی و عقب‌افتادگی است. در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل، باید به خارج رفت و دکترها و اطباء دانشمند خود را محکوم و مأیوس کرد.

رفتن به انگلستان، فرانسه، آمریکا و مسکو افتخاری پرارزش و رفتن به حج و سایر اماکن متبرکه، کهنه‌پرستی و عقب ماندگی است. بی‌اعتنایی به آنچه مربوط به مذهب و معنویات است از نشانه‌های روشنفکری و تمدن و در مقابل تعهد به این امور، نشانۀ عقب ماندگی و کهنه‌پرستی است .... اگر خودیِ خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت، قدرت همه کار و ساختن همه‌چیز را دارد و آنچه انسان‌های شبیه به اینان به آن رسیده‌اند، شما هم خواهید رسید، به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس و قطع وابستگی از دیگران[۱]».

امّا چگونه می‌توان این دوگانگی را برای روشن‌فکران نوکیسه و خودکم‌تر بین تبیین کرد که آداب خرافی همچون برگزاری چهارشنبه سوری، نحوست سیزده، برگزاری شب یلدا و مانند آن را علائم تمدن و تجدد می‌شمارند، امّا آنچه را که مربوط به مذهب و معنویات است -همچون عزاداری حسین بن علی (ع)- کهنه‌پرستی و عقب ماندگی می‌دانند؟ به طور خلاصه می‌توان گفت که روی آوردن به مظاهر تمدن غرب به هر شکل و صورتی که باشد، جبرانی است بر خود کمتر بینی‌ای که فرد در خود احساس می‌کند.

---

۱. صحیفه امام خمینی، جلد۲۱، صفحه ۴۱۶.

۷- سن و تحصیلات نوکیسگان

اصولاً رفتارهای نوکیسه‌مآبانه بسته به سن افراد به نحو خاصی بروز می‌یابد. معمولاً در سنین نوجوانی و جوانی نوکیسگی به شکل رفتارهای پرزرق و برق اجتماعی و مصرف کالاهای لوکس و تجملی مانند ماشین‌های مدل‌بالا و گران‌قیمت و نیز زیورآلات گوناگون و اشیای تزئینی و پوشش و لباس گران‌قیمت، نشان داده می‌شود. در واقع نوکیسگان پول را منبع همه‌چیز می‌دانند، بنابراین همه‌چیز را خریدنی پنداشته و بعضاً این افراد ممکن است که دارای مدارک تحصیلی بالایی نیز باشند؛ یعنی در واقع حتی علم و دانش و تحصیل نیز یکی از میدان‌های مسابقهٔ نوکیسگان به شمار می‌رود.

البته رفتارهای نوکیسه‌مآبانه در هر سنی و بسته به طبع و سلیقهٔ افراد بروز پیدا می‌کند، هرچند برای بعضی تعدد زوجات و ازدواج موقت جذابیت خاصی دارد و برای بعضی دیگر نیز سفرهای خارجی و لباس و پوشش غربی و برای بعضی دیگر هم طلا و جواهرات.

۸- طبقه نوکیسه در کشورهای دیگر

نوکیسگی نوعی کژکارکردی اقتصادی و بعداً سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که بنابراین در صورتی که علل و زمینه‌های آن وجود داشته باشد، در هر کشوری امکان ظهور و بروز پیدا می‌کند. کره جنوبی، روسیه، چین، هند و ... از جمله کشورهایی هستند که پدیدهٔ نوکیسگی در آن‌ها نمود داشته و هنوز هم آثار آن قابل مشاهده است.

روسیه یکی از کشورهایی است که در این مورد از سوی بسیاری از محققین به عنوان مثال پدیدهٔ نوکیسگی مورد اشاره قرار می‌گیرد. در روسیه مالکیت بیش از هفتاد درصد شرکت‌ها به دنبال اجرای برنامه خصوصی‌سازی رسمی در سال‌های ۹۴- ۱۹۹۲ به دارندگان اطلاعات پنهان شرکت‌ها (افراد داخلی شرکت) منتقل شد که این

کار موجب ظهور نوکیسگان بسیاری در دورهٔ پساکمونیسم در روسیه گردید که از جمله نمونه‌های این افراد می‌توان به رومن آبراموویچ[1] اشاره کرد. بعد از ورود رومن آبراموویچ به دنیاي فوتبال به عنوان خریدار باشگاه چلسي، خیلي‌ها او را مي‌شناسند. مرد ۴۹ سالهٔ روس با بیش از ۱۳ میلیارد دلار ثروت (اندکي کمتر از درآمد سالانهٔ ایران از نفت) که وقتي در ۴ سالگي پدرش را از دست داد و مجبور شد با خانوادهٔ فقیر عمویش به سختي زندگي کند، هرگز فکر نمي‌کرد که روزی بتواند چنین ثروتي را به هم بزند. او پس از سختي‌هاي دوران کودکي و خدمت اجباري در ارتش سرخ شوروي، توانست سرمایه‌اي براي زندگي خود جمع کند، اما هنوز یک میلیاردر بزرگ نبود تا اینکه بعد از فروپاشي کمونیسم در این کشور و خصوصی‌سازی‌های گستردهٔ صنایع، سهام ارزان برخي شرکت‌ها را خرید و به یک‌باره یک سرمایه‌دار بزرگ شد. به عنوان مثال شرکت نفتي سیب نفت[2] را که رومن با شراکت یک نفر دیگر با پرداخت تنها ۱۰۰ میلیون دلار خریداري کرده بود، بعدها سالانه ۳ میلیارد دلار سود نصیب او و شریکش مي‌کرد. آبراموویچ یکي از میلیاردرهاي متولد شده از دل واگذاري‌هاي گستردهٔ شرکت‌هاي دولتي در طي سال‌هاي ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ میلادی در روسیه است؛ واگذاري‌هایي که به بدترین نوع خصوصي‌سازي در تاریخ تبدیل شد و به اختلاف طبقاتي و توزیع بسیار ناموزون ثروت در جامعهٔ روسیه دامن زد.

چین و هند نیز از جمله کشورهایی هستند که پدیدهٔ نوکیسگی در آن‌ها مشهود است. طبقهٔ متوسط هند حدود ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد که به اندازهٔ جمعیت آمریکا است. جمعیت میلیونرهای هندی در سال ۲۰۰۶ به ۸۳ میلیون نفر می‌رسید که هرساله رشدی ۱۹/۳ درصدی دارد. طلا و الماس از جمله محبوب‌ترین وسایل نمایش نوکیسگی در هند و چین محسوب می‌شود، به گونه‌ای که میزان مصرف طلا در این دو کشور به بیش از ۷۲۱/۹ تن رسیده است[3].

---

1 . Roman Arkadyevich Abramovich is a Russian businessman, an investor, and a politician. Abramovich is the primary owner of the private investment company, Millhouse LLC

2 . Sib-Oil Ooo

۳ . برودریک، سین (۲۰۰۷)، خواسته‌های ملت‌های نوکیسه، ر.ک. http://www.moneyandmarkets.com/what-nouveau-riche-nations-want-۲-۹۳۰۶

۹-تأثیرات و پیامدهای رفتاری نوکیسگان

نکته‌ای که حتماً جالب به نظر می‌رسد، این است که اگر از یک فردی که دارای رفتار نوکیسگانه است، سؤال شود که چرا این رفتار را از خود نشان می‌دهد، شاید پاسخی که می‌دهد این باشد که دوست دارم این‌گونه رفتار کنم یا این‌که پول خودم است و دوست دارم آن را این‌گونه خرج کنم. در این موقعیت این بحث پیش می‌آید که آیا در یک جامعه هرکس به هر صورتی که دوست دارد، می‌تواند رفتار کند؟ و یا اینکه آیا به صرف اینکه کسی دارای توانمندی خاصی است، به عنوان مثال قوای بدنی زیادی دارد و یا اینکه علم و ثروت زیادی دارد و یا اینکه هنر و مهارتی دارد، می‌تواند از آن به هر نحوی استفاده کند؟ مسلماً این‌گونه نیست و زندگی اجتماعی دارای قید و بندهایی است که همه باید آن را رعایت کنند. شاید استدلال نوکیسگان از نظر خودشان درست باشد، امّا از نظر اینکه آنان این توانمندی را از کجا به دست آورده‌اند و نیز از این نظر که این‌گونه رفتارها چه تأثیراتی بر روان، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و سبک زندگی یک جامعه و مردمان آن می‌گذارد، نوکیسگی پدیده‌ای مذموم است که کلیت اجتماعی و فرهنگی یک کشور را تهدید می‌کند. با توجه به این مقدمه در ادامه به تشریح تأثیرات منفی رفتارهای نوکیسه‌مآبانه در یک جامعه می‌پردازیم:

۱- گسیختگی اجتماعی و از بین رفتن انسجام اجتماعی

نمایش ثروت نوکیسگان و شکاف اجتماعی‌ای که میان اقشار مردم به وجود آورده، زمینه‌ساز احساس یأس، تحقیر و بستر رشد کینه برای اقشار کم‌درآمد و فقیر شده و از سوی دیگر این اقشار را به شیوه‌های غیر مشروع دلالی و کسب پول‌های بادآورده و یک‌شبه ترغیب می‌کند. نگاهی حتی گذرا به شهر تهران و ناهنجاری‌های اقتصادی، فرهنگی و رفتاری آن می‌تواند ناشی از درآمدهای عده‌ای سودجو و نوکیسه باشد که با آزمندی و فقدان درک مناسب از

سرمایه و شهر و زندگی اجتماعی، چشم‌اندازی چنین مذموم برای شهروندان ایجاد کرده‌اند.

همچنین یکی دیگر از ناهنجاری‌های روانی رفتاری افراد نوکیسه، سندروم هیستریویونیک[1] یا عقدهٔ خودنمایی است که در آن افراد نوکیسه برای ارضای خواستهٔ خود و جلب توجه، دست به اقداماتی می‌زنند امّا بعضی‌ها که توانایی رقابت ندارند، به فساد آلوده شده و دست به دزدی و اختلاس می‌زنند تا –به قول خودشان– در مقابل دیگران کم نیاورند. اثری که این‌گونه رفتارها بر جامعه دارد، ارائهٔ الگوهای ناهنجار رفتاری برای نوجوانان و جوانان و دعوت آن‌ها به رفاه اشرافی، راحت‌طلبی و مصرف‌گرایی است و فساد رفتاری، اقتصادی و فرهنگی را به دنبال دارد.

۲- اقتصاد واردات محور و غیر مولد

نوکیسگی اقتصاد را دچار آشفتگی می‌کند و سرمایه‌های یک کشور به جای اینکه صرف ایجاد اشتغال و تولید شود، صرف واردات کالاهای لوکس و تجملی می‌شود. در این شرایط انگیزهٔ کار و تولید از نیروی انسانی جامعه گرفته شده و نوعی یأس و سرخوردگی اقتصادی بر همگان سیطره می‌یابد. در این شرایط نوعی تضاد و دوگانگی در جامعه ظهور پیدا می‌کند: رفتارهای قشر نوکیسه و نیز شعارها و تبلیغات رسمی و فرهنگی. در این فضا فرهنگ اقتصادی خانواده‌ها نیز کم‌کم از رفتارهای نابخردانهٔ نوکیسه‌ها تأثیر می‌پذیرد و به نوعی انتظارات فزاینده در میان آن‌ها پدیدار می‌شود، بنابراین دیگر کار و درامد معمول و طبیعی نمی‌تواند جوابگوی این انتظارات باشد.

۳- نوکیسه سالاری به جای مردم‌سالاری

سیاست نیز نمی‌تواند مصون از تأثیرات نامطلوب نوکیسگی بماند. در واقع نوکیسه‌ها با پول‌های بادآوردهٔ خود، شعارها و رفتارهای سیاسی را از محتوا خالی می‌کنند. در این رابطه دو بحث مطرح می‌شود که یکی بحث تأثیرگذاری و نفوذ قشر نوکیسه بر سیاست و سیاست‌مداران و دیگر رفتارهای نوکیسه‌مآبانه سیاسی

---

1 . Histrionic personality disorder (HPD(

است. بی‌شک سر دادن شعارهای بی‌محتوا و ناشدنی و دست نیازیدن به اقدام و عمل در راه تحقق شعارهای سیاسی، می‌تواند از جمله مصادیق نوکیسگی سیاسی به شمار آید. از طرف دیگر قشر نوکیسه نیز به انحاء مختلف سعی می‌کنند که عرصهٔ سیاسی را به جولانگاه خود تبدیل کرده و در این راه به خرید و فروش مناصب اداری و سیاسی روی بیاورند و یا اینکه برخی از افراد را به عنوان نمایندهٔ سیاسی برای انتخابات معرفی و از آن‌ها حمایت مالی کرده و تبلیغاتی نیز می‌کنند.

۴- پول، معیار فرهنگ می‌شود

نوکیسگی اصلی‌ترین بیماری اصالت فرهنگی و رفتارهای اصیل منبعث از فرهنگ است. نوکیسگی فرهنگ را دچار ترک و گسل می‌کند و نسل‌ها را در مقابل هم قرار می‌دهد. در این شرایط میان فرزندان و والدین و نیز میان همسران حالتی به وجود می‌آید که در آن به تعبیر خودمانی حرف هم را نمی‌فهمند. از طرف دیگر نوکیسگی سطح فرهنگ را نیز بسیار پایین می‌آورد. از یک طرف ضد ارزش‌های فرهنگی مانند فخرفروشی، ریاکاری، ظاهرسازی و نمایش در جامعه رونق می‌گیرد و از سوی دیگر نیز به حاملان فرهنگ ساده‌زیستی، قناعت و عدالت به چشم مانع نگریسته می‌شود. عمیق‌تر شدن فاصلهٔ طبقاتي تا آنجا که ماشین‌هاي چندمیلیاردی در مقابل چشمان افرادي که توانایي تهیهٔ داروهاي فرزند بیمارشان را ندارند، موجب دل‌زدگی آن‌ها از نظام و نااميدي از عدالت اجتماعي مي‌گردد. زمانی که يك جوان ۲۰ ساله از اتومبیل يك ميليارد توماني پياده مي‌شود و يا يك خانم هنرپیشه اتومبیل چند صد ميليون توماني سوار مي‌شود، کسي که در طول ماه گوشت و مرغ به خانه نبرده چه حالي پيدا مي‌کند؟

در ایران از ابتدای قرن بیستم و با ظاهر شدن شهرنشینی جدید، اقشاری از نوکیسگان که اغلب موفق شده بودند به دلایل سیاسی یعنی عمدتاً نزدیکی به دربار و حاکمان و یا به دلیل سیاست‌گذاری‌های فرهنگی همین گروه، روانهٔ اروپا شوند، در بازگشت، نخستین گروه از «اسنوب»ها یا تازه به دوران رسیدگان

فرهنگی را به وجود آوردند که در اصطلاح عامیانه برای آن‌ها از واژگانی چون «فرنگ رفته» یا «فکل ـ کراواتی» و از این قبیل استفاده می‌شد. برخی از افراد این گروه بعدها به صورت گسترده‌ای از واژۀ «روشنفکر» و یا «انتلکتوئل» نیز برای خود استفاده کردند و در حرکات و رفتارهای خود به شدت تمایل بدان داشتند که از نوعی صوری گرایی تحقیرآمیز نسبت به دیگران استفاده کنند و خود را از آن‌ها جدا کنند. بعدها در نظام دانشگاهی و فکری ما این اسنوبیسم شکل بسیار رایج‌تری یافت و بدل به نوعی نشانۀ اشرافیت یافته برای نشان دادن «دانش و فرهنگ» خود شد که از جمله نمودهای آن طرز لباس پوشیدن، استفاده از واژگان بیگانه یا بسیار تخصصی در مکالمات علمی و حتی سخن گفتن عادی، استناد دائم به کشورهای «فرنگی» یا اروپایی و آمریکایی و نویسندگان، روشنفکران و اندیشمندان «فرنگ» و غیره بود[1].

۵- طیفی دیدن نوکیسگی

برای اینکه بتوان به گونه‌ای مؤثر با نوکیسگی مقابله کرد، باید عمیق‌تر به این مسئله نگاه کرد. به نوعی شاید رفتارهای پرزرق و برق نوکیسگی حاصل رشد این پدیده در مدل کوچک‌تر خود در جامعه باشد که بعضاً برجسته شده و به بلوغ می‌رسد. منظور این است که بذر نوکیسگی در همۀ ما وجود دارد و تنها باید شرایط آن فراهم شود. در واقع مطالعۀ رفتارهای اجتماعی و نیز الگوهای مصرف نشان می‌دهد که باید نوکیسگی را طیفی دید که با درجات مختلف وجود دارد. بعضاً شاید آمارهای وحشتناک مصرف مواد آرایشی در کشورمان و یا موج بدحجابی گسترده و پوشش‌های عجیب و غریب و نیز گرایش فوق‌العاده زیاد و بیمارگونه به مدرک تحصیلی، نمونه‌هایی از وجود مسئلۀ نوکیسگی در سطحی کوچک‌تر باشد.

---

۱ . فکوهی (۲۰۱۳)، نوکیسگان، اسنوبیسم، جاهل گرایی، لومپنیسم: ر.ک .https://ieknafar.wordpress.com

۱۰- رفتارشناسی نوکیسگان

نوکیسگان کمتر با کارآفرینی و تولید به ثروت رسیده‌اند و بیشتر واسطه‌گر هستند تا تولیدگر و میل شدید به تظاهر ثروت خود دارند. پورشه سواری یکی از تجلی‌های پیش پا افتادۀ این پدیده است. مانور تجملی که در مسکن یا مراسم این طبقه مشاهده می‌شود، بسیار عجیب و نادر است و به این دلیل که حاکمیت تمایل ندارد تظاهر آن را ببینند، هنوز آثار شدید اجتماعی آن لمس نشده است وگرنه به مراتب از اقتصاد پوتینی در روسیه بدتر است. طبقۀ نوکیسۀ جدید، نشانۀ روسی شدن اقتصاد ایران است. جالب این است که سهم درآمدهای نفتی در اقتصاد روسیه، مشابه سهم درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران است و سهم درآمدهای نفتی نسبت به جمعیت روسیه نیز مشابه ایران است. دو جامعۀ ایران و روسیه بسیار شبیه به هم هستند. همان‌طور که سرمایه‌دار روس به نام آبراموویچ، باشگاه فوتبال چلسی انگلیسی را می‌خرد یا برخی از ثروتمندان روسی بازار مسکن لندن را به هم می‌ریزند، برخی از ایرانی‌ها نیز مشابه همین کار را در بازار مسکن دوبی کردند. اگر تجلی عینی این لوکس گرایی یا طبقۀ نوکیسه همچنان که در خارج از کشور وجود دارد، در داخل ایران نیز اجازۀ تظاهر پیدا کند، منجر به تحولات بزرگ اجتماعی خواهد شد.

افراد نوکیسه جشن تولد و عروسي براي حيوانات خانگي خود می‌گیرند و یا براي از هم پاشيدن يك زندگي مشترك در تالارهاي عروسي، جشن طلاق برگزار می‌کنند. سوار شدن بر خودروهای چند میلیارد تومانی و به نمایش گذاشتن حرکات ماجراجویانه از جمله رفتارهایی است که از فراوانی زیادی در میان نوکیسگان برخوردار است.

بر طبق گزارش نشریه معتبر اکونومیست پورشه در سال ۲۰۱۱، در تهران بیش از هر شهر دیگری در خاورمیانه فروش داشته است[1].

---

۱ . ثروتمندان تازه به دوران رسیده در ایران (۱۳۹۳)، ر.ک ۳۱۳۸۱۹۲۲ A۳۹B/ html.http://tnews.ir/news

نکته‌ای که بسیار جالب است، این است که نوکیسه‌ها از هر وسیله‌ای برای نمایش و خودنمایی استفاده می‌کنند که از جمله آن‌ها ماشین، لباس، زیورآلات، مسافرت، وسایل تفریح حتی پول توجیبی و ... است و میدان نمایش این نمادهای نوکیسگی برای نوکیسگان نیز گاهی خیابان و سطح شهر و گاهی نیز صفحات فضای مجازی است. با توجه به این مهم در ادامه و ذیل دو دسته وسایل اجرای نمایش نوکیسگی و نیز جولانگاه‌های نوکیسگان به رفتارشناسی نوکیسگان می‌پردازیم:

الف)- وسایل اجرای نمایش نوکیسگی

۱- مرض مصرف

نوکیسگان به شدت تمایل به مصرف بالای انواع و اقسام کالاهای لوکس و به نمایش گذاشتن این مصرف را دارند، به صورتی که این نمایش، گاه شکل آیینی به خود می‌گیرد و در تجربه‌ای که جهان در حال بحران اقتصادی شدید و فقر گسترده دارد، به نوعی به تمایل دیگر آزارانه (سادیسمی) تبدیل می‌شود. این‌گونه مصرف افسارگسیخته و بسیار جنجالی عموماً در برابر نوعی مصرف اشرافی خویشتن‌دارانه قرار می‌گیرد که از خصوصیات ثروتمندان تا دوران نسبتاً متأخر بوده است؛ بنابراین آنچه در نوکیسگی مورد تأکید است، نفس مصرف و گروهی از مفاهیم که از ابتدا در سرمایه‌داری مطرح بوده‌اند، نیست، بلکه شیوهٔ مصرف و به خصوص قرار گرفتن آن در چارچوب‌های روزمرگی شهری است[۱].

۲- مسابقه تنوع‌طلبی

نوکیسه‌ها از هر برنامهٔ جدید و جذابی خوششان می‌آید که شاید این جذابیت طلبی حد و مرز عقلی و انسانی نیز نداشته باشد:

- توقیف ماشین‌های مدل بالای آنان توسط پلیس
- ویلاها و پنت‌هاوس‌های آن‌چنانی و نوع زندگی شاهانه، ساعت‌های لوکس، استخر و جکوزی و ماشین‌های گران‌قیمت
- سوزاندن موتور خودروی پنج میلیارد تومانی مازراتی

---

۱. فکوهی (۱۳۹۴)، ر.ک http://simafekr.tv/fa۱۸۶۸idattach.htm.

- کشیدن سیگار با اسکناس‌های ۱۰۰ دلاری و نگه‌داری حیواناتی چون پلنگ، شیر، مار و تمساح در باغ‌وحش‌های خصوصی

۳- خریدن همه‌چیز با پول

برای نوکیسگان اقتصادی و فرهنگی، پول معیار همهٔ ارزش‌ها است که به آن‌ها این امکان را می‌دهد که همه‌چیز را بخرند؛ از سمت‌های مدیریتی گرفته تا مدارک دانشگاهی، از مسکن‌های کاخ مانند تا سبک زندگی‌های اشرافی و به اصطلاح مدرن غربی. آن‌هایی که به مدارک تحصیلی بالایی رسیدند، دوست داشتند که بقیه آن‌ها را «پروفسور»، «استاد» و «دکتر» خطاب کنند و دائماً نیز از واژگان انگلیسی و فرانسه در صحبت‌هایشان به کار می‌بردند، از «تجربهٔ زندگی در خارج» صحبت می‌کردند و نام‌های این و آن متفکر مشهور و مدرن و «پسا مدرن» را بر زبان می‌راندند[1].

۴- قمار، خودرو و خانه لوکس

خودروها و آپارتمان‌های چند میلیارد تومانی بخش آشکار و قمار از بخش‌های پنهان خرج کردن ثروت‌های بادآوردهٔ نوکیسه‌ها است. به عنوان مثال آگهی آپارتمان‌های لوکس یا پنت هاوس‌های چند صد مترمربعی در وب سایت‌های قانونی در ایران، فراوان به چشم می‌خورد و گزارش و تصویر آن نیز در رسانه‌ها و مطبوعات منتشر می‌شود. در اوایل مهرماه روزنامه خراسان، از فروش یک واحد مسکونی در منطقه کامرانیه تهران به قیمت ۳۰ میلیارد تومان خبر داد. چند روز پیش از آن، نشریهٔ اقتصاد ایران آنلاین با رجوع به صفحهٔ نیازمندی‌های روزنامه‌ها گزارشی از پنت هاوس‌های چند صد متری و چند میلیارد تومانی در مناطق شمالی تهران منتشر کرد. خانه و خودروی میلیاردی را نمی‌توان به راحتی پنهان کرد. خانه‌های لوکس اگر در محله‌های دنج از چشم بسیاری پنهان بماند، خودروهای پورشه، لامبورگینی و مازراتی را می‌توان در خیابان‌های تهران دید. بخش‌های پنهان ریخت و پاش نوکیسه‌ها شامل کارهایی چون قمار در قمارخانه‌های خصوصی می‌شود[2].

---

۱. درباره خودنمایی (۱۳۹۴)، ر.ک http://fararu.com

۲. قمار، خودرو و خانه لوکس؛ سرگرمی نوکیسه‌های ایران (۲۰۱۲)، ر.ک http://www.dw.com

ب)- جولانگاه‌های نوکیسگان

۱- فضای مجازی

فضای مجازی یکی از عرصه‌های مورد علاقهٔ نوکیسگان برای خودنمایی و تظاهر است. نوکیسه‌ها صفحهٔ «بچه پولدارهای ایرونی» را در چند شبکه اجتماعی دارند و در این صفحهٔ خاص، تصاویری از جوانان در ویلاها و پنت هاوس‌های آن چنانی و نوع زندگی شاهانه‌شان، ساعت‌های لوکس، استخر، جکوزی و ماشین‌های گران قیمت خود منتشر می‌کنند. علاوه بر این، نوکیسه‌ها انواع گروه‌ها و صفحات را در فضای مجازی با عناوینی مانند «بچه میلیاردرها»، «بچه پول‌دارهای تهران» و... به راه انداخته و عکس‌هایی از خود، خودرو، خانه و ویلایشان را به اشتراک گذاشته‌اند.

۲-خیابان‌ها و معابر شهرها

خیابان‌های بالای شهر مانند جردن، پاسداران، ایران زمین، اندرزگو و... آتلیهٔ خودروهای مدل بالا است. جوانانی با سر و وضع‌های نامتعارف که به قصد دیده شدن پشت فرمان می‌نشینند و خیابان‌ها را آرام و خرامان بالا و پایین می‌روند.

۱۱- علاج نوکیسگی

یکی از مباحث مهم در بحث نوکیسگی، ارائهٔ راهکار برای مقابله با این پدیدهٔ نامبارک است. بی‌شک همان‌طور که بررسی شد، پدیدهٔ نوکیسگی ریشه‌دار و درازمدت است، بنابراین تنها اقدامات روبنایی و ساختاری نمی‌تواند جلوی بروز این پدیده را بگیرد. در واقع مبارزهٔ ساختاری در نهادهای اداری و دولتی با پدیدهٔ نوکیسگی هرچند می‌تواند بروز و ظهور این پدیده را کم‌تر نماید، امّا نمی‌تواند شور و اشتیاق اجتماعی افراد را نسبت به آن از بین ببرد؛ بنابراین نباید اقدامات زیربنایی و تربیتی نیز در این زمینه فراموش شود. به طور کلی باید دو دسته از اقدامات در این زمینه در دستورکار قرار گیرد:

۱۱-۱- اقدامات پایین‌دستی و در سطح آحاد افراد جامعه و نهادهای تربیتی

رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۵ در دیدار معلمان و فرهنگیان به مناسبت هفتهٔ معلم، در مورد اهمیت اصلاح الگوی مصرف می‌فرمایند: «این حقیر، بارها راجع به اصلاح الگوی مصرف صحبت کرده‌ام -در سخنرانی‌های اوّل سال، با مسئولین، در جلسات خصوصی و در جلسات عمومی- امّا الگوی مصرف ما هنوز هم اصلاح نشده است، در واقع ما بد مصرف می‌کنیم. همین مسئلهٔ جنس خارجی که بنده چند روز قبل اینجا در حسینیه، با جمعی در میان گذاشتم، از همین قبیل است. این قاچاق‌های ده‌ها و صدها میلیاردی وسایل لوکس، از همین قبیل است. این بچه‌بازی‌های داخل خیابان‌ها -که بچه پول‌دارهای نوکیسه، با آن خودروهای کذائی می‌آیند دائم راه می‌روند، دائماً رژه می‌روند، دائماً پُز می‌دهند- به خاطر همین چیزها است؛ اصلاح الگوی مصرف. این را باید از کودکی به این جوان و نوجوان یاد داد»[1].

در این سطح مهم‌ترین کار، آموزش اقتصادی است؛ یعنی باید اصول اقتصاد به طور کلی و از جمله قواعد و قوانین فعالیت اقتصادی و کسب درآمد و ... آموزش داده شود و از طرف دیگر کار مهم‌تر آموزش اصول اقتصاد اسلامی و نیز اقتصاد مقاومتی است. به عنوان مثال باید من ایرانی از کودکی یاد بگیرم که برای پول‌دار شدن و کسب درآمد، کار و تولید داشته باشم. بنده باید یاد بگیرم که دولت تنها منبع ثروت و کسب درامد نیست، بلکه دولت محل هزینه کردن برای جامعه است. پس باید به من آموزش داده شود که فعالیت اقتصادی دولتی نمی‌تواند آرزوهای اقتصادی عجیب و غریب انسان را برآورده کند، البته مگر با سوءاستفاده از این نهاد. ما باید یاد بگیریم که راه فعالیت اقتصادی ایجاد شبکه‌های خانوادگی مانند و اعتماد و اتکا به یکدیگر است، نه چشم انتظار دولت بودن.

---

۱ . بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان به مناسبت هفتهٔ معلم، ۱۳ /اردیبهشت/ ۱۳۹۵، ر.ک // :http
www.leader.ir

انسان اگر این‌گونه رشد پیدا کند، خردمندتر و قدردان‌تر خواهد بود و نگاه او به جامعه و دیگر انسان‌ها و محیط شهر و کشور نیز به صورت ارباب - رعیتی و مالک و مملوکی نیست، بلکه چون این جامعه را منبع ثروت و پیشرفت خود می‌داند، سعی در تخریب ظاهر و باطن آن نخواهد کرد.

مربیان و مسئولان تربیتی نیز باید بکوشند تا با رفتار و کردار خود الگوی نظم، عدالت، تلاش و پشتکار برای متربیان باشند. در واقع نباید از دوران کودکی زرنگی و از زیر کار دررفتن و تعرض به حقوق دیگران را یاد بگیریم. این امر یک نوع ضد ارزش است که اگر در فردی درونی شود، سکوی پرتابی مهیا می‌شود برای حرکت وی به سمت کسب درامدهای آن‌چنانی البته بدون کار و تلاش و در ادامه نمایش آن در قالب رفتارهای نوکیسه گونه.

در مورد تربیت اقتصادی کار مهم‌تری که البته باید صورت بگیرد، بحث آموزش اقتصاد اسلامی و نیز اقتصاد مقاومتی است. بی‌شک اقتصاد محض و فاقد ارزش و جهت‌گیری توحیدی و ابزارگونه نمی‌تواند پرورش‌دهندهٔ فردی باشد که در قبال انسان‌های دیگر و نیز جامعه و کشور خود احساس مسئولیت نماید، بنابراین باید اقتصاد را اسلامی و از این طریق انسانی کرد و فرد را در این چارچوب رشد داد.

۱۱-۲- اقدامات بالادستی توسط ارگان‌های دولتی

عرصهٔ دیگری که باید برای مقابله با نوکیسگی در آن سنگر سازی و برنامه‌ریزی انجام گیرد، ارگان‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. درواقع فرد پس از آن‌که دوران تربیت و آموزش را سپری کرد، برای فعالیت وارد این میدان‌ها و عرصه‌ها می‌شود (با توجه به ساختارهای دولتی نهادینه‌ای که در کشورمان وجود دارد). در این عرصه باید مجاری و منافذ رخنه و نفوذ غیرقانونی و سوءاستفادهٔ افراد نوکیسه گرفته شود و با درآمدزایی این افراد از طرق این نهادها مقابله شود. عمدهٔ کار در این سطح، بحث نظارت و بازرسی است که باید از شکل‌گیری حیات خلوت‌ها جلوگیری کرد و افراد را وادارکرد تا با شفافیت و شفاف‌سازی در این عرصه‌ها فعالیت کنند.

کار مهم دیگری که باید در این سطح انجام شود، اصلاحات ساختاری مداوم و ادامه‌دار در این عرصه‌ها است. هدف این اصلاحات باید از بین بردن انحصارات فردی وگروهی باشد و ساختار اقتصادی به گونه‌ای اصلاح و برنامه‌ریزی شود که پدیده‌ای به نام رانت امکان شکل‌گیری پیدا نکند.

از طرف دیگر قوانین گمرکی و نیز جریان‌های واردات و صادرات نیز برای مقابله با بحث نوکیسگی و یا حداقل مظاهر آن، بسیار مهم هستند. ابتدا باید توجه داشت که بخش اعظم ثروت‌هایی که موجب شکل‌گیری قشر نوکیسه در اکثر کشورها می‌شوند، ناشی از فعالیت در این عرصه و استفاده از مجوزهای واردات و صادرات هستند که از طرف دولت‌ها به افراد و حامیان دولت اعطا می‌شود. در این رابطه نیز باید نظارت دقیق صورت بگیرد و باید هرگونه مجوز واردات و صادرات پس از نیازسنجی دقیق توسط نهادهای متولی اعطا شود و بر حجم و چگونگی واردات و صادرات نیز نظارت دقیق صورت گیرد.

به طورکلی قاچاق یکی دیگرازمهم‌ترین عرصه‌هایی است که باید در بحث مبارزه با نوکیسگی به آن توجه ویژه‌ای مبذول گردد. قاچاق نه تنها در سطح کالا، بلکه در سطوح پولی و مالی یکی از مهم‌ترین منابعی است که افراد نوکیسه ازآن کسب درآمد می‌کنند. درواقع باید از صادرات، واردات و نیز قاچاق به عنوان مثلث طلایی ظهورنوکیسگان یادکرد. درواقع قاچاق حیات خلوت نوکیسگان است که دراین عرصه نوکیسگان فارغ از نظارت‌های قانونی تاج و تخت پادشاهی خود را بنا می‌کنند. مواد مخدر، ارز و فلزات گران‌بها، لوازم آرایشی و تولیدات صنعتی و مواد اولیهٔ صنعتی و نیزلوازم الکترونیک، همواره توجه افراد دارای پتانسیل نوکیسگی را به خود جلب می‌کنند.

نوسانات اقتصادی یکی دیگر از مهم‌ترین آبشخورهای نوکیسگان محسوب می‌شود. نوسان شامل طیف متنوعی از فراز و فرودهای اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شود. در دوره‌های وقوع نوسان، ثبات سیاسی و اقتصادی از بین می‌رود و قوانین معمول و متداول اقتصادی مانند عرضه و تقاضا کارایی خود را از

دست می‌دهند و در این میدان، برخی افراد اصطلاحاً به خاک سیاه می‌نشینند و بعضی دیگر نیز ثروت‌های افسانه‌ای به دست می‌آورند. هر چقدر که یک کشور نوسان کمتری داشته باشد و دوره‌های تغییرات بنیادین و اساسی کم‌تری در آن به وقوع بپیوندد، میدان برای تاخت و تاز نوکیسه‌ها کمتر خالی خواهد شد.

- نتیجه‌گیری

شاید مسئله انتخاب عنوان برای تحقیقی با موضوع نوکیسگی و رسیدن به عنوانی که گویای همهٔ زوایای پنهان و پیدای این پدیده باشد، بتواند به بهترین نحو نتیجه و ماحصل تحقیق حاضر را نشان دهد: ویروس نوکیسگی، پرواز نوکیسگان بر فراز آسمان کشور، فرهنگ نوکیسگی، رفتار نوکیسگانه، پیدایش نوکیسگان، خطرات و زیان‌های نوکیسگان و ... . نوکیسگی پدیده‌ای است که مانند خوره به جان کلیت فرهنگی و اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک ملت می‌افتد و همه را از محتوا خالی و یا محتوای آن‌ها را دچار تضاد و پارادوکس می‌کند. رژهٔ نوکیسگان در سطح جامعه با وسایلی مانند ماشین‌های لوکس و میلیاردی، لباس‌های مجلل و زربافت و نیز تزئینات و زیورآلات نامعمول و غریب و همچنین تفریحات نامعمول و پرخرج و خلاف عرف و هنجار جامعه، خطرناک‌ترین بیماری اجتماعی برای آیندهٔ کشور محسوب می‌شود.

می‌توان گفت که نوکیسگان و رفتارهای نوکیسه‌مآبانه کاری که می‌کنند این است که بافته‌های تربیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه را از هم می‌گسلند و در اصطلاح پنبه می‌کنند. با وجود نوکیسگان و رفتارهای آنان دیگر نمی‌توان مردم را به کار، تولید و فعالیت مولد اقتصادی تشویق کرد. نوکیسگان زندگی مادی را جذابیت می‌بخشند و مظاهر دنیا را در نظر مردم جلوه‌گر می‌کنند. البته نوکیسگی ویروسی است که در همهٔ کشورها قربانی گرفته و همچنان نیز می‌گیرد و مثال‌های آن را به وفور می‌توان در کشورهایی مانند روسیهٔ

پساکمونیستی، چین، تایلند و ... مشاهده کرد.

حیات و ممات نوکیسگی در این است که بتواند نمایش اجرا کند و به دارندگی تظاهر نماید، بنابراین از هر مجرا و وسیله‌ای برای این منظور استفاده می‌کند. درواقع خوراک، پوشاک، مسکن، وسیلهٔ نقلیه و حتی زندگی شخصی (ازدواج، طلاق، مهریه، جشن، مراسم و ...) برای نوکیسه وسیله نیستند، بلکه این‌ها هدف نوکیسه‌ها هستند و نوکیسه‌ها دارایی و ثروت خود را در این‌ها می‌دانند. طبیعی است که نوکیسه‌ها اگر نتوانند در جامعه و به اصطلاح سطح خیابان رژه بروند و نمایش اجرا کنند و یا در چشم مردم دیده نشوند، به نوعی سعی می‌کنند که این را جبران نمایند، پس از طرق دیگری به عنوان مثال به راه انداختن کمپین و تأسیس سایت سعی می‌کنند که توجه جامعه را به سمت خود معطوف نمایند. درواقع به نوعی خوی نوکیسگی هوشمند عمل می‌کند و با توجه به اینکه کدام حوزه طرف توجه مردم باشد، نمایش خود را در آن حوزه اجرا می‌کند.

نوکیسگی اصالت را از رفتار و فرهنگ جامعه می‌گیرد و به جای آن تظاهر و نمایش را جایگزین آن می‌کند. نوکیسگی شاید بیشترین ضربه را به سرمایهٔ اجتماعی وارد کند، دلیل آن نیز این است که نوکیسگان نمایش خیابانی خود را بسیار پرخرج‌تر از آن چیزی که موجودی و داشتهٔ آن‌ها است، اجرا می‌کنند، بنابراین زمانی که دست آن‌ها رو می‌شود، به نوعی بذر بی‌اعتمادی در میان مردم پراکنده می‌گردد.

البته نوکیسگی را باید به صورت طیفی در نظر گرفت و در واقع طیفی بودن نوکیسگی است که باعث می‌شود به صورت کارآمد نتوان با آن مقابله کرد. منظور از طیفی بودن و طیفی دیدن نوکیسگی این است که بذرهای نوکیسگی در جریان فرایند تربیت در خانواده و نیز در نهادهای آموزشی در نهان فرد کاشته می‌شود. در واقع نگاهی گذرا به فرهنگ زندگی و مصرف و تفریح مردم نشان می‌دهد که حتی اگر افراد نوکیسه نیز نباشند، امّا دوست دارند که نوکیسه‌گونه رفتار کنند. به نوعی رفتار نوکیسه‌گرانه و درآوردن اداهای نوکیسه‌گونه، یکی از راه‌های مؤثر برای جذب دوستی دیگران، به خصوص جنس مخالف است.

در سطح کلان نیز رفتارهای افراد نوکیسه یکی از موانعی جدی «اقدام و عمل» در راه شعارهایی مانند اقتصاد مقاومتی است. طبیعتاً مردم برای اینکه به اقتصاد مقاومتی جذب شوند و در این راه نیز فعالیت، اقدام و عمل داشته باشند، احتیاج دارند که نمونه و مثال عینی و عملی ببینند، امّا رژهٔ نوکیسه‌ها اجازه نمی‌دهد که این اتفاق برای مردم رخ بدهد. به نوعی رفتارهای نوکیسه‌ها اثرات فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی برنامه‌ریزان و مسئولین اقتصادی کلان کشور را خنثی می‌کند.



- منابع

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران: ۱۹ /تیر/ ۱۳۷۹ ر.ک http://www.leader.ir
- دیکشنری آنلاین آکسفورد (۲۰۱۴)، ر.ک http://www.oxforddictionaries.com/definition/learner/parvenu
- لغتنامه آنلاین دهخدا، ر.ک https://www.vajehyab.com
- یک نوکیسه: ماهی ۲۰ میلیون خرج می‌کنم!(۱۳۹۴)، ر.ک http://etedaal.ir
- رییس دانا، فریبرز و حسن مکارمی (۱۳۹۵)، ظهور طبقه نوکیسه، ر.ک. http://swednews.com
- احسانی نیا، علیرضا (۱۳۹۱)، دولت رفسنجانی و نوکیسگانی که این‌گونه در اقتصاد ایران ظهور کردند، ر.ک. http://kusarevelayat.parsiblog.com
- آذری، ۱۳۹۴: ر.ک http://www.cloob.com
- برودریک، سین (۲۰۰۷)، خواسته‌های ملت‌های نوکیسه، ر.ک http://www.moneyandmarkets.com/what-nouveau-riche-nations-want-۲-۹۳۰۶
- برودریک، سین (۲۰۰۷)، خواسته‌های ملت‌های نوکیسه، ر.ک http://www.moneyandmarkets.com/what-nouveau-riche-nations-want-۲-۹۳۰۶
- بیانات در دیدار کارگران به مناسبت هفتهٔ کارگر، ۸ /اردیبهشت/ ۱۳۹۵ ر.ک http://www.leader.ir.
- بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان به مناسبت هفتهٔ معلم، ۱۳ /اردیبهشت/ ۱۳۹۵، ر.ک http://www.leader.ir
- بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳/۰۲/۱۳۹۵، ر.ک http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۹۷۰
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با رئیس جمهور و هیئت وزیران ۱۰ /آذر/ ۱۳۸۱ ر.ک http://www.leader.ir.
- ثروتمندان تازه به دوران رسیده در ایران (۱۳۹۳)، ر.ک http://tnews.ir/news/A۳۹B۳۱۳۸۱۹۲۲.html
- ثروتمندان تازه به دوران رسیده در ایران (۱۳۹۳)، ر.ک http://tnews.ir/news/A۳۹B۳۱۳۸۱۹۲۲.html
- جلالی، حسین (۱۳۷۹)، احساس کهتری و پیامدهای آن، فصلنامه معرفت، شماره ۳۸ .
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۷۶)، رانت، دولت رانتیر و رانتی ریسم: یک بررسی مفهومی، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶، از صفحه ۱۵۲ تا ۱۵۵.
- حضور پدیده نوکیسه ها در جامعه (۱۳۹۴)، ر.ک http://www.irankhabar.ir
- درباره خودنمایی (۱۳۹۴)، ر.ک http://fararu.com

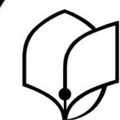
- دور دور خودروهای میلیاردی بچه پولدارها امنیت روانی جامعه را به زیر می‌گیرد (۱۳۹۴)، ر.ک http://www.yjc.ir
- رتبه نامناسب ایران از نظر فساد اقتصادي با وجود هشدارهاي رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۴)، ر.ک http://www.taamolnews.ir/fa/news/۸۶۷۱۷
- رومولو، مانس (۲۰۱۵)، تفاوت نوکیسه با طبقه مرفه، ر.ک http://www.philstar.com/sunday-life/۲۰۱۵/۰۹/۰۶/۱۴۹۶۳۴۹/-whats-difference-between-old-rich-and-nouveau-riche
- صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۲۱، صفحه ۴۱۶.
- ظهیری سمرقندی، محمّدبن علی (۱۳۸۱)، سندباد نامه، تصحیح محمدباقر کمال‌الدینی، انتشارات میراث مکتوب.
- فراهانی، محمد (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی فساد و امنیت: مطالعه موردی به مقولهٔ فساد سیاسی، اقتصادی و تأثیرآن برامنیت ملی ایران، انتشارات پرسمان.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۴)، ر.ک http://simafekr.tv/ fa۱۸۶۸idattach.htm۰
- فکوهی، ناصر (۲۰۱۳)، نوکیسگان، اسنوبیسم، جاهل گرایی، لومپنیسم: ر.ک https://ieknafar.wordpress.com
- قمار، خودرو و خانه لوکس؛ سرگرمی نوکیسه‌های ایران (۲۰۱۲)، ر.ک http://www.dw.com
- کلهر، محمد و شهروز ماشینچي ماهري (۱۳۸۸)، لمپن‌ها درگذار از مشروطیت به عصر پهلوي اول، نشریه مسکویه، دوره ۴، شماره ۱۱ صفحه ۱۷۳ تا صفحه ۱۹۰.
- لغتنامه آنلاین دهخدا، ر.ک https://www.vajehyab.com/dehkhoda/%D۹%۸۷%D۹%B۳%۸C%D۸%DB%DA%A۹%۸۸%D۹%۸۶
- نو فرستی، محمد و فردین محمدی (۱۳۸۸)، بررسی اثرات شوک‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۳۸، از صفحه ۳۱ تا ۵۲.
- عنصرالمعالي کیکاووس ابن اسکندر (۱۳۴۷)، منتخب قابوس‌نامه، تهران: بنگاه ترجمه و نشرکتاب.
. D.Pearce, The MIT Dictionary of Modern Ee- onomics
. https://www.transparency.org/cpi2014/results











مرکز مطالعات راهبردی
تربیت اسلامی



۱۳۶۵
دانشگاه جامع امام حسین (ع)